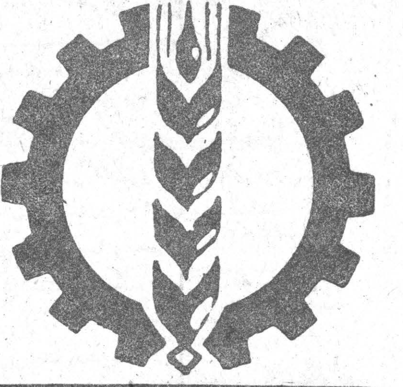
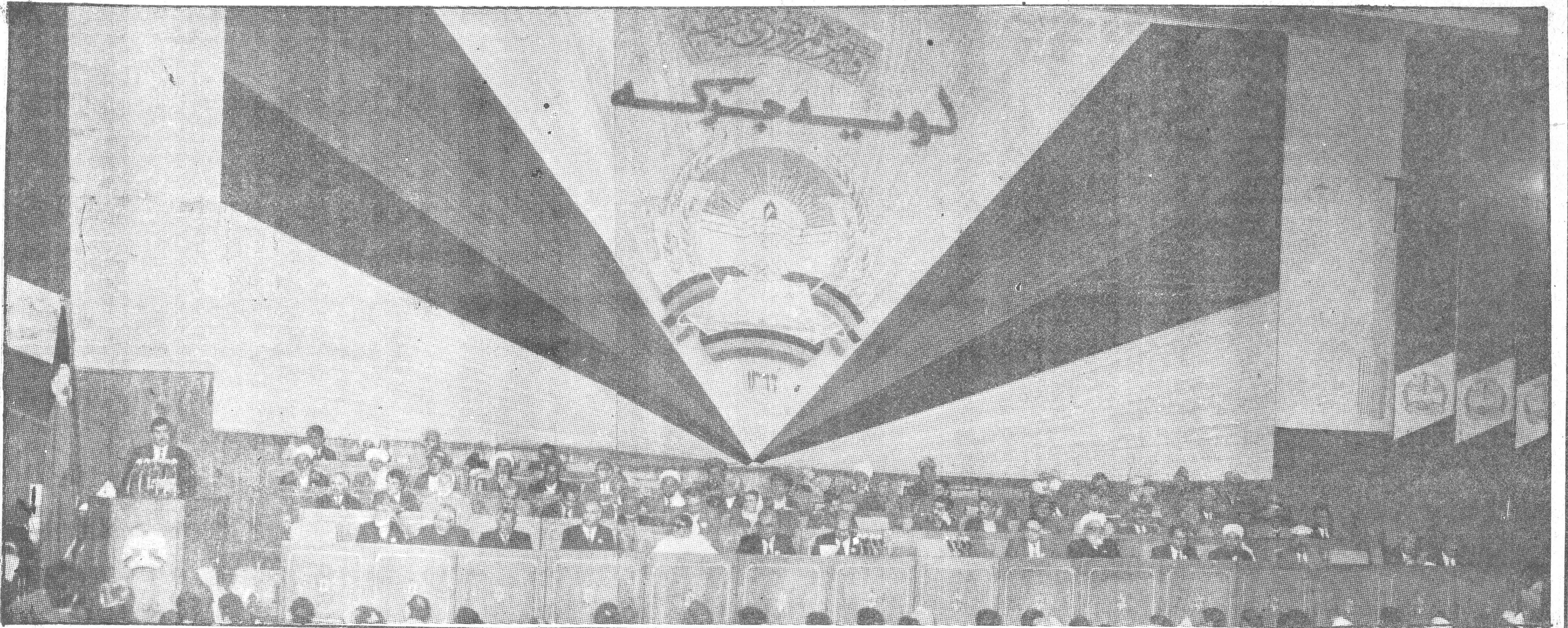
قانون اساسی وثیقه ملی مردم افغانستان است!



حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

دوشنبه ۹ قوس ۱۳۶۶
Nov 30, 1987
سال هشتم شماره ۷۴
شماره مسلسل ۱۹۲۷
سال تاسیس ۱۳۵۹



هنگام ایراد بیانیه

عکاسی بابه خان

لویه جرگه تاریخی مردم افغانستان گشایش یافت



لویه جرگه عنعنه یا ستالی کشور که در طول تاریخ افغانستان برای حل مسایل بزرگ ملی دایر گردیده است بخاطر تصویب طرح قانون اساسی جدید افغانستان و انتخاب رئیس جمهور کشور و تحقق اهداف انسانی مشی مصالحه ملی در جهت تامین صلح و آرامش سر اسری در کشور افغانها دیروز در شهر کابل پایتخت وطن محبوب ما گشایش یافت.

درین جرگه تاریخی وبا عظمت که در حیات سیاسی و اجتماعی مردم ما رویداد با اهمیت و سر نوشت ساز محسوب میشود شایسته ترین نماینده گان مردم افغانستان از سراسر کشور شرکت دارند که در ترکیب آنها اعضای شورای انقلابی ،اعضای شورای وزیران ، اعضای ستره محکمه، اعضای کمیسیون عالی مصالحه ملی، لوی خارنوال و معاونین، اعضای کمیته اجراییه جبهه ملی ، روسای کمیته های ولایتی جبهه ملی و کمیته های معادل آن، روسای کمیسیون های مصالحه ملی و لایات و معادل آن ، نماینده گان سازمانهای سیاسی، اتحادیه های صنفی، اتحادیه کوپراتیف های دهقانی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان ، اتحادیه ژورنالیستان، انجمن نویسنده گان ، اتحادیه هنرمندان، شورای سراسری زنان افغانستان ،انجمن حقوق دانان اتحادیه پیشه وران، روسای کمیته های اجرائیه جرگه های ولایات ومعادل آن، نماینده گان شهرها ، مراکز ولایات، ولسوالی ها و علاقه داریها و نواحی. اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی وکمیته کار آن، نماینده گان جرگه اقوام و قبایل ، جرگه کوچیان، جرگه ملیت هزاره ، شورای عالی علما و روحانیون ، اکادمیسین ها و کاندیدان اکادمیسین ها، نماینده گان شورای مشورتی اقتصادی ، قهرمانان افغانستان، و قهرمانان کار افغانستان ونماینده گان جرگه های ولسوالی ها وعلاقه داریها که تعداد مجموعی آنان به بیش از یکهزار و پنجصد نفر میرسد، شامل میباشند. همچنان در کار جرگه بیش از چهار صد نفر مهمانان داخلی و کشور های دوست ونماینده گان سازمان های مترقی شرکت دارند .

در کار دیروزی لویه جرگه که ساعت ۹ صبح در تالار بزرگ انستیتوت پولی تخنیک کابل تدویر یافت، همچنان سفرا واعضای کوردیپلوماتیک کشور های دوست مقیم کابل وژورنالیستان داخلی وخارجی اشتراك داشتند .

کارلویه جرگه با تلاوت آیاتی چند از قرآن عظیم الشان توسط قاری بر کت الله سلیم آغاز گردیده و بعداً رفیق نجیب الله ضمن صحبت مختصری پیرامون اهداف صلح خواهانه تدویر لویه جرگه، انتخاب نماینده گان لویه جرگه ونحوه کارآن روشنی انداخته ، پیشنهاد نمودند تا معاونین رئیس لویه جرگه و ارگانهای رهبری آن انتخاب شوند .

جلسه دیروزی لویه جرگه که تحت ریاست محترم عبدالرحیم هاتف به کار خود ادامه داد، ابتدا آجندای لویه جرگه درمورد بررسی و تصویب طرح قانون اساسی جدید افغانستان ، انتخاب رئیس جمهور جمهوری افغانستان به اتفاق آراء مورد تائید وتصویب نماینده گان قرار گرفت وطرز کار جرگه بعد از رای گیری مورد تصویب نماینده گان قرار گرفت :

در کار جلسه قبل از ظهر لویه جرگه که جریان آن مستقیماً از طریق رادیوافغانستان انتشار یافت ، رفیق نجیب الله گزارش مفصلی در باره قانون اساسی جدید یعنی قانون اساسی دموکراسی و مصالحه ملی ارائه نمودند که در هر قسمت با ابراز احساسات وکف زدنهای پیهم نماینده گان لویه جرگه مورد تائید قرار گرفت .

در ارتباط گزارش اساسی لویه جرگه عبدالتواب دهقان ازولایت بدخشان ، بلبل شاه رئیس کمیسیون مصالحه ملی ولایت لغمان ،رضوانقل تمنار رئیس اتحادیه پیشه وران، گنگارام نماینده منشبثین خصوصی ، سناتور سابق نور احمد ستانکزی ، فردوس خان .

(ص ٤)

متن بیانیه رفیق نجیب الله

بسم الله الرحمن الرحیم

هموطنان عزیز، نماینده گان با اعتبار مردم افغانستان !

همه ما را که درین سالون حضور داریم شور و شعف عمیق و صمیمانه فرا گرفته است. این مطلب برای هرکس مفهوم است که ما درآستانه بزرگترین حادثه تاریخی یعنی تصویب اولین قانون اساسی بعد از انقلاب قرار داریم که کاملا جوابگوی منافع بنیادی وطن ما و اراده مردم شریف افغانستان بوده و به نفع استقرار صلح در منطقه و برای بشریت در مبارزه آنها بخاطر امنیت و سعادت همگانی مساعدت خواهد کرد .

لویه جرگه گام دوم رانیز خواهد برداشت یعنی رئیس دولت را انتخاب نموده و مسوولیت در برابر سرنوشت ملت و اجرای بلا انحراف قانون اساسی رابه عهده اوخواهدگذاشت. لویه جرگه کار خود را در زمانی آغاز میکند که وظایف مشکل و پیچیده برای رسیدن به کاروان ترقی بشریت که ما خیلی از آن فاصله داریم ارتقای سطح رفاهیت مردم رنج کشیده ما. تامین شگوفائی فرهنگ ملی واسلامی آنها و بالا بردن هرچه بیشتر اعتبار وطن درخانواده خلق های سیاره ما دربرابر مردم افغانستان قرار دارد. لویه جرگه کار خود را در شرایط مداخلات مسلحانه متداوم پاکستان و ایران، امپریالیزم ایالات متحده امریکا و همچنان سایر نیرو های ارتجاع بین المللی در امور داخلی ما آغاز مینماید ما ناله های غم انگیز وگریه های مادران، زنان و کودکان را که شوهران، پدران و فرزندان خود را در جنگ برادر کشی خونین از دست داده اند و میدهند، میشنویم.

لویه جرگه کار خود رادر شرایط تحکیم پروسه مصالحه ملی که سازمانده و مجری آن ح.د.خ.ا بخاطر منافع تمام اتباع افغانستان میباشد، آغاز میکند. باوجود مشکلاتی که در راه استقرار صلح درخانه ما به وجود می آیند، یگانه راه معقول حل و فصل مسایل داخلی افغانستان راه مذاکرات و دیالوگ سیاسی نیرو های با هم مخالف میباشد .

افغانستان کشور جرگه ها ست. جرگه ها از عمق تاریخ باستانی و پر افتخار وطن ما منشاء میگیرند . جرگه ها همیشه شکل عنعنوی قبول شده مظهر اراده مردم و اصل مشوره حکومت با مردم در مورد مسایل سراسری ملی بوده ومیباشند.

چنین ابراز نظر همگانی و دستجمعی از دین مقدس اسلام منشاء میگیرد. حضرت محمد (ص) می فرمایند :

((شما یکجا در باره هر کاریکه به جامعه ارتباط می گیرد، با همراهان خودمشوره کنید)) .

مردم ما نیز همیشه مطابق احادیث پیغمبر اسلام عمل نموده اند جرگه ما نجه راکه در سال ۱۰۸۸ هجری شمسی (۱۷۰۸ عیسوی) تحت ریاست میر ویس خان هوتکی در کندهار باستانی دایر گردید بخاطر می آوریم .

تصامیم این جرگه به نجات مردم افغانستان از ظلم و ستم گورگین خان بیرحم و ایجاد دولت پادشاهی مستقل در افغانستان منجر گردید .

لویه جرگه سال ۱۱۲۶ هجری شمسی(۱۷٤۷ عیسوی) که با شرکت نماینده گان بسیاری از ملیت های برادر ساکن افغانستان دایر گردید، نیز نقش پر افتخار را ایفاء نمود. در آن جرگه به اثر پیشنهاد یکی از شخصیت های روحانی (صابر شاه کابلی) احمدخان به حیث پادشاه انتخاب گردید و به این ترتیب تاسیس دولت مقتدر افغانستان اساس گذاشته شدما اخلاف قدر شناس به خاطر یاد بود از این جرگه بزرگ . پریروز با افتتاح بنای باشکوهی گام مهم دیگری را بر داشتیم .

چنانچه لویه جرگه سال ۱۲۹٤ هجری شمسی (۱۹۱۵ عیسوی) که در دوران حکومت امیر حبیب الله در قصرسلام خانه کابل تدویر یافت مردم کشور ما را از وحشت جنگ تحمیلی

(ص ۲)



اشتراک کننده گان لویه جرگه هنگام استماع گزارش

عکاسی باختر

لویه جرگه تاریخی مردم افغانستان گشایش یافت

متن بیانیه رفیق نجیب الله

(بقیه ص اول)

دولامیر یا لیستی نجات داد.

به طور خاص قابل یادآوری است که درتاریخ افغانستان اولین قانون اساسی که از طرف جوانان افغان در راس از جانب حکومت امیر امان الله خان ترتیب شده بود، نیز درسال ۱۳۰۱ هـ. ش ۱۹۲۳ عیسوی از طرف لویه جرگه وقت در جلال آباد به تصویب رسید. ارزش تاریخی این لویه جرگه در این میباشد که آزادی کامل افغانستان را تائید نمود واصلاحات امیر امان الله خان را که راه انکشاف مترقی کشور را منعکس می نمود، شکل قانونی بخشید.

این روحیه صلح‌خواهانه در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی (۱۹۴۱ عیسوی) از طرف لویه جرگه به ارث باقی مانده.

این لویه جرگه ازحکومت تقاضا نمود که در جنگ عمومی دوم بیطرفی کامل را رعایت نماید.

این عمل امکان استفاده از خاک افغانستان را علیه منافع کشورهای همجوار جلوگیری نمود.

نباید قطعنامه لویه‌جرگه سال ۱۳۳۴ هجری شمسی (۱۹۵۵ عیسوی) رافراموش کرد، این لویه جرگه حکومت را موظف نمود که از حقوق عادلانه مردم پشتونستان دفاع نماید وهمچنان قدرت دفاعی کشور را در برابر سیاست دشمنانه نظامیگران پاکستان تقویه نمود.

در این لویه جرگه ها چهار قانون اساسی که تاپیروزی انقلاب ثور در کشور ما موجود بود تحت بررسی و تصویب قرار گرفت اینقوانین اساسی هر کدام انعکاس دهنده انکشاف جامعه افغانی و بیانگر مبارزات مردم برضد بی عدالتی واستبدادبود.

بعد از انقلاب ثور احترام نسبت به عنعنه دعوت لویه جرگه ها نه تنها کاهش نیافت بلکه محتوی جدیدی کسب نمود چنانچه طی‌سال های اخیر جرگه های عالی قبایل، ملیت زحمتکش هزاره و کوچیها موفقانه دایر گردید.

بعد ازانقلاب ثور برای نخستین بار در ماه ثور ۱۳۶۴ بزرگان و شخصیت های با اعتبار همراه با رهبران کشور گرد هم‌آمدند ودر باره سیاست داخلی وخارجی دولت، به خاطر دفاع وحفظ دستاوردهای انقلابی مردم با هم مشوره کردند، سپس جرگه عالی قبایل، جرگه کوچی ها وجرگه ملیت هزاره با موفقیت دایر گردیدند.

اهمیت این امر در آنست که بیشتر این جرگه هابرای نخستین بار دایرگردیدند.

در حال حاضر در محلات وولایات تدویر جرگه های صلح توسعه یافته است. این جرگه ها در اثر فعالیت صلح آفرین مردم به‌وجود آمده‌ودرمبارزه به خاطر مصالحه ملی از با اعتبار ترین نهادها به شمار میروند.

در جرگه های صلح، فراه ونیمروز، هشت شهر، سیزده ولسوالی و ۱۱۵۳ قریه مناطق صلح اعلام گردید.

فکر میکنم سزاوار است جرگه حاضر را نیز از لحاظ محتوا و اهداف عالی آن به‌نام‌جرگه صلح یاد کنیم، زیرا این جرگه وظیفه دارد مسایلی را که‌برای وطن دوست داشتنی ما و برای آینده آن اهمیت تعیین کننده دارد مورد غوروبحث قرار دهد. این جرگه مسوولیت عظیم تاریخی را به عهده شما نماینده گان، در برابر مردم افغانستان ووطن و تمام مجامع‌بین المللی قرار میدهد.

قانون اساسی ایکه دراین جرگه تاریخی به غرض غور وتصویب شما تقدیم میگردد به‌نام قانون اساسی دموکراسی یاد میشود که‌بالای رشد جامعه ما تاثیر روزافزون وارد مینماید وسندی دارای عملکرد طویل المدت می باشد. این قانون‌اساسی حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی‌و مدنی وسیع وواقعی انسان زحمت کش در کشور را تامین و تضمین نموده و همچنان حقوق و آزادیها و بهبود شرایط زنده گی اتباع راپیشبینی می کند.

این قانون اساسی سندی است که رشد بعدی دموکراسی و استقرار سیستم ارگانهای دولتی راتامین مینماید و کلیه مواد‌آن هدف عالی انسانی ،یعنی رفاهیت مردم افغانستان رابرآورده می سازد.

این‌قانون اساسی اهمیت بزرگ بین المللی نیز دارد. زیرا اصول زنده گی درصلح ودوستی با مردمان تمام کشورها وسیاست بیطرفی عنعنوی کشورما، همزیستی مسالمت آمیز، تساوی حقوق دول‌و رشد همه جانبه همکاری بین المللی‌راتسجیل مینماید.

متن طرح این قانون اساسی که برای نماینده گان محترم لویه جرگه‌ارایه شده است موجز و عام فهم است‌و محتوای هر ماده بر واقعیت های عینی استوار بوده از ارزیابی سیاسی علمی و دستاوردهای تاریخی مبارزات نماینده گان فداکار مردم ووطن‌پرست کشور ما، منشاء می گیرد.

بدین ترتیب طرح قانون اساسی که جهت بررسی لویه جرگه ارائه گردیده است‌نتیجه منطقی مبارزه طولانی توده های زحمتکش وروشنفکر پیشرو کشور ما بوده‌و همه اندوخته های ارزشمند در تاریخ جنبش ملی - دموکراتیک افغانستان را در خودنهفته است.

خصلت مترقی طرح ارائه شده قانون اساسی ازخدمات قهرمانان و مبارزان منشاء میگیرد که در میدان های‌جنگ اعلام ناشده به خاطر آرمان های درخشان انقلاب ثور شهید شده‌اند.

بیاد بود آنها بپا خیزیم ویك دقیقه‌سکوت نماییم.

نماینده گان محترم لویه جرگه!

بعد از انقلاب ثور، شورای انقلابی که به مثابه ارگان عالی قدرت دولتی بوجود آمد و شورای وزیران کار فعالانه‌ای را باتدوین قوانین، بخصوص با تدوین سایر اسناد حقوقی انجام دادند و از جانب دیگر قدرت دولتی تا حد معینی با استفاده از قوانین قبل از انقلاب، قوانین جدیدی را که باخواست های نضج یافته جامعه مطابقت داشتند، تصویب نمود.

- اصول اساسی ج. د.ا. که‌به مثابه قانون اساسی موقت کشوراز جانب‌شورای انقلابی تصویب گردید، در سالهای اول انقلاب ثور نقش مهم را درتشکیل تحکیم‌و رشد سیستم قانون گذاری انقلابی ایفا نمود.

اما لازم به تذکر است‌که فعالیت قانون گذاری حاکمیت دولتی از همان آغاز دارای نواقص مشهود بود که عواقب منفی و مشکلات جدی را بار آورد. فرمان شماره هشت را که (در باره زمین) نافذ گردیده بود به خاطر می آوریم باشتابزده گی و بدون در نظر داشت شرایط عینی جامعه و خصوصیات دهقانان کشور ما تهیه شده بود.



اشتراک کننده گان لویه جرگه تاریخی هنگام رای دهی — عکاسی بابه خان

طی سالیان زیادی در باره پیشبرد اصلاحات ارضی جملات پر طمطراق گفته میشد اما زمین بدون کشت‌و دهقان گرسنه‌باقی میماند. مواد اصول‌اساسی ج. د.ا در باره نقش ح.د.خ.ا. و مقام آن در سیستم سیاسی جامعه مبین عدم واقعبینی و شتابزده گی بود.

درواقعیت سخت وتحلیل انتقادی و واقعبینانه که چندین سال بعد ازپیروزی انقلاب ثور به عمل آمد، مستلزم حل‌و فصل پرابلم های نضج یافته بود. بنا بر آن به ابتکار ح. د. خ.ا، مشی مصالحه ملی اعلام گردید، محتوای میکانیزم ومراحل این پروسه در پلینوم فوق العاده کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ، جلسه کمیسیون عالی مصالحه ملی تثبیت و در اعلامیه شورای انقلابی وجهه قانونی پیدا کرد. اصول مصالحه ملی که از جانب ح.د.خ.ا و دولت ج. د.ا اعلام شد در یک سلسله اسناد حقوقی رشد یافته و مشخص گردید. عمده ترین آنها رابرمیشمارم.

در باره بهبود همکاری متقابلا مفید دولت با سکتور خصوصی، در باره احزاب سیاسی، در باره عفو عمومی، در باره استرداد املاك عودت کننده گان، در باره الغای مالیات زمین وغیره طی این مدت کوتاه اسناد اصولا مهم مانند قانون کار، فرامین در باره مکلفیت عمومی عسکری، در باره اصول اساسی تنظیم مناسبات ارضی‌وآب و غیره تصویب گردید و اکنون هم ما و شما در این لویه جرگه تاریخی گرد هم آمدیم تا قانون‌اساسی‌کشور را تصویب نماییم.

برای اینکه طرح قانون اساسی جدید به‌وجود آید کار زیادی انجام یافت، کمیسیون تسوید قانون اساسی که هفتادو پنج نفر اعم از نماینده گان با اعتبار روحانیون، سران قبایل، کارگران دهقانان، وزرا، دانشمندان و استادان، وکلاء و سناتوران سابق پارلمان، پیشه‌وران، تاجران ملی، حقوقدانان و غیره درترکیب آن شامل بودند. کار بزرگی را انجام داد، طرح در جریان مدت بیست ماه تهیه گردید. طرح قانون اساسی برای نظر خواهی عامه در وسایل اطلاعات جمعی به نشر رسید این‌کار زارچهار ماه طول کشید.

بیشتر از دو ملیون نفر در ابراز نظر پیرامون طرح قانون اساسی شرکت جستند. در نتیجه نظر خواهی در باره تغییر و تکمیل یکصدو بیست ماده طرح قانون اساسی پیشنهادات ارایه گردید، فصل جدید در طرح افزوده شد، شمار مواد از یکصدو سی‌و هفت به یکصدو چهل‌و هشت ماده افزایش یافت. بیشتر از پانزده هزار پیشنهاد مختلفه به کمیسیون تسوید قانون اساسی مواصلت کرد. ما با مسوولیت کامل اظهار می داریم که تمام پروسه تهیه طرح قانون اساسی ازابتدا الی امروز دارای خصلت عمیقا دموکراتیک بوده. کمیسیون تمام قوانین اساسی افغانستان را که در گذشته تصویب شده بود به طور مقایسوی تحلیل نموده، قوانین‌اساسی بیشتر از پنجاه کشور خارجی منجمله کشورهای سرمایه داری، سوسیالیستی و در حال رشد را مطالعه کرده‌وحین تهیه طرح از تجربه کشورهای اسلامی استفاده صورت گرفت.

می خواهم تاکید نمایم که ما کوشیدیم تا محتوی طرح قانون را نه تنها به آگاهی هر ساکن وطن ما بلکه به همه هموطنان مادر خارج از کشور نیز برسانیم. ملیونها نسخه طرح قانون اساسی به‌بسیاری‌از زبانها ترجمه و در بین اهالی و در کمپ های‌فراریان و مهاجرین وافغانانی که در غرب به سر می‌برند، پخش گردید و به نماینده‌گان دیپلوماتیک‌و قنسلگریهای افغانستان مقیم خارج انتقال داده شد.

بنابرین هیچکس نمی تواند بگوید که امکان آشنایی با طرح رانداشته است.

مادر تلاش برای تسریع پروسه مصالحه ملی چارده اعلامیه را در باره گذشتها وسازشها در برابر جانب مقابل به نشر سپردیم. منجمله ماباردها از مخالفین دعوت به عمل آوردیم تا نظریات خودرا ابراز کنند. گذشته از آن کمیته کار برای ملاقات در هر محل مساعد جهت غور و بحث پیرامون اختلافات نظر موجود، آماده گی ابراز نمود.

اما از جانب مخالفین و منجمله اتحاد هفتگانه پاسخ دریافت نکردیم‌واین امر تصادفی نیست. حاکمیت انقلابی به خاطر قطع جنگ برادر کشی‌و استقرار صلح در سر زمین ما سعی مینماید وبه خاطر این هدف مقدس به گذشت های‌زیادی برای جانب مقابل تن‌در می‌دهد. اما ضد انقلاب در بدل ریختاندن خون برادران وپدران، ویران ساختن مساجد و منازل در بدل به قتل رساندن اطفال و ریش سفیدان معزز ما پول بدست می آورند. بدین ترتیب آنها به دعوت مردم شان برای صلح چه پاسخ میدهند. آنها چیزی‌ندارند بگویند حتی رادیوی بی. بی. سی دستگاهی که بسیار به ندرت شنونده‌گان خودرا با پخش حقیقت در مورد افغانستان خرسند میسازد، به تاریخ شانزده میزان سالجاری شنونده‌گان خودرابه صورت مفصل با طرح قانون اساسی جدید افغانستان آشناساخت.

دشمنان ایدیولوژیك با احترام در موردقانون‌اساسی ما صحبت می نمایند اما مخالفین ما درین مورد خاموشی اختیار نموده‌اند.

از جانب بسیاری از شخصیت های سیاسی کشور های اسلامی موضع‌گیری های مثبتی در قبال طرح قانون اساسی مااتخاذ گردیده است ،ولی‌اپوزیسیون هر گونه ابتکار صلحجویانه ما را به دشنام و ناسزا می گیرد. مطبوعات کشور های دوست باعلاقمندی‌و به طور خیر خواهانه طرح قانون اساسی مارا توضیح نمودند. اما دشمنان آشتی ناپذیر مصالحه ملی خاموش اند. اگر چه ما میدانیم که آنها باچه‌علاقمندی ای طرح قانون اساسی ما رادر اردوگاه دشمن مطالعه نمودند. رهبران بسیاری کشور ها واحزاب مترقی با موضعگیری بسیار دوستانه از طرح قانون‌اساسی ما استقبال نمودند، این علاقمندی دروقت سفر هیات حزبی -دولتی افغانستان به مسکو برای‌شرکت در جشن هفتاد ساله گی انقلاب اکتوبر آشکار گردید.

اما دشمنان آشتی نا پذیر مصالحه ملی خاموش اند.

بدین ارتباطدر مورد چنین مخالفین چه می توان گفت، بجاگفته شده است که کسانی که نمی خواهند بشنوند، نمی شنوند،کسانی که نمی خواهند ببینند، نمی بینند.

نماینده گان محترم لویه جرگه!

طرح قانون‌اساسی که برای بررسی شما ارایه گردیده است واقعا مهم ترین سند مصالحه ملی می باشد، تصویب قانون اساسی توسط لویه جرگه باعث تغییرات بنیادی در ساختار ارگان های دولتی، در اشکال و شیوه های ایجادو فعالیت ارگان عالی حاکمیت دولتی خواهد گردید، این ارگان عبارت از پارلمان یعنی شورای ملی که دارای صلاحیت قانون گذاری است خواهد بود، بدین ترتیب ارگان پارلمانی جانشین شورای انقلابی موجود که دراولین روزهای انقلاب‌ثور به مثابه ارگان فوق العاده حاکمیت دولتی به میان آمده بود، خواهد گردید، شورای انقلابی در سیستم ارگانهای مرکزی دولت ملی دموکراتیک مابه خصوص در دشوار - ترین شرایط اولین سالهای انقلاب جنگ اعلام ناشده ارتجاع بین المللی و منطقه علیه وطن ما و در مبارزه با ضد انقلاب مهمترین نقش را ایفا نمود.

نقش اساسی در ایجاد آن به کمیته مرکزی ح. د.خ.ا. که تحت رهبری آن انقلاب ثور به پیروزی رسید تعلق دارد.

اما در شرایط مصالحه‌ملی شورای انقلابی دیگر نمی تواند نماینده گی وسیع ترین اقشار توده های‌اهالی، احزاب مختلف سیاسی، سازمانهای اجتماعی، اقوام‌و قبایل کشور ما را تامین نماید.

سیستم چند حزبی و انصراف حزب دموکراتیک خلق افغانستان ازانحصار قدرت نتایج انتخابات برای ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی که یکسال قبل آغاز گردید، مستلزم طرز دموکراتیک ایجاد ارگان های عالی حاکمیت دولتی‌می باشد که درآن اشکال ائتلافی نماینده گی تمام نیرو های وطن پرست که از اندیشه مصالحه ملی پشتیبانی مینمایند، تامین میگردد. چنین ارگان‌عبارت از شورای ملی کشور ما می باشد که در فصل ششم طرح قانون اساسی توضیح گردیده است.

مساله سیستم ارگان های‌قدرت دولتی هموطنان عزیز مارا مشوش میساخت آنها درزمینه صدهانامه فرستاده و در این مورد در مطبوعات و جلسات صحبت نمودند. نامه یکی از نماینده گان‌روشنفکران پر افتخار کشور ما محمد یوسف از هرات را مثال میاورم وی چنین می نویسد:

(مصالحه ملی نمایانگر پخته گی رشد یابنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان می باشد این برخورد جسورانه و غیر قابل پیش‌بینی نسبت به انقلاب ملی دموکراتیک می‌باشد امادر قانون اساسی جدید باید امکانات شرکت تمام نیروهای‌وطن پرست در مبارزه به خاطر صلح در کشورمان ورفع عقب ماندگی های اجتماعی، اقتصادی‌در عالی ترین سطح حاکمیت دولتی کشور مان در نظر گرفته شود، صرف پارلمان می تواند چنین ارگان دولتی باشد.)

فقط می توانم بگویم که نویسنده محترم نامه فوق درست فکر میکند لویه‌جرگه ما مجمع صحبت صادقانه وآشکار با مردم ما می‌باشد، ماباتلاشهای‌بعضی ها مبنی بر طفره رفتن از پاسخ به سوالات مطرح شده‌تاریخ ما مواجه شدیم، آنها علاقه دارند تا در مورد این‌مسایل خاموشی اختیار نموده‌و چنین وانمود سازند که‌اصلا هیچ چیز به خصوص‌رخ نداده است، با این بر خورد نباید موافقه کرد صرف تجزیه‌و تحلیل واقعبینانه راه سپری شده می‌توانند برای ما کمك نماید تاپرابلمهای حال و آینده کشور راتشخیص دهیم وآنها راحل نماییم.

بدین ارتباط میخواهم تذکر بدهم که جروبحث در مورد تسجیل قانونی نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه حزبی که سازمانده مجری سیاست مصالحه ملی‌بوده و بخاطر ترقی و عدالت اجتماعی میرزمد، نهایت جالب است.

پیشنهادات واصله‌در این ارتباط را میتوان به سه گروپ بزرگ تقسیم نمود. پیشنهاداتی دارای محتوای ذیل به گروپ اول ارتباط میگیرد باید نقش رهبری‌کننده وسمت دهنده ح.د.خ.ا، در جامعه حفظ گردد.

پیشنهادات گروپ دوم میخواست که اصلا بایداین مساله از طرح حذف گردد، زیرا بااصول مساوات‌حقوقی احزاب در تضاد قرار دارد.

پیشنهادات زیادی‌خصلت سازش را داشت که میتوان آنهارا به گروپ سوم‌منسوب ساخت، کمیسیون پیشنهادات گروپ سوم راپذیرفت.

مثلا کارگران کابل واهالی ولایت سمنگان مینویسند: به همه یعنی به اطفال‌وسالمندان معلوم‌است که ح.د.خ.ا ،در پیروزی انقلاب ثور نقش اساسی را بازی نموده است، متاسفانه این حقیقت در قانون اساسی انعکاس نیافته است پس خاطره شهدای راه انقلاب‌در آینده چه‌خواهد شد؟ازمعلولین وفامیلهای شهدای راه انقلاب کی مواظبت خواهد کرد؟آنها چنین سوالات رامطرح می نمایند، آنها به جواب این سوالات دلایل جدی دارند.

طوریکه بارها اینجا نیز تذکر داده‌ام اعلام سیستم چند حزبی در کشور به مفهوم این نیست که ح.د.خ.ا، از اصول وبرنامه عمل خود که آنرا در کنفرانس سراسری به اتفاق آراء تصویب کرد انصراف میجوید.

سازش ها به معنی‌تسلیمی موضع اصولی نبوده بلکه به معنی تمرکز مساعی نیروهای مختلف اجتماعی-سیاسی به خاطر دستیابی به اهداف وانجام وظایف تاریخی میباشد، پیاده نمودن‌سیستم چند حزبی برای ح.د.خ.ا. مفهوم گذار به کار درشرایط پیچیده‌تر نوین را دارد که‌در آن موفقیت ویا شکست حزب به خصوص وابسته به اعتبار حزب واین امراست که حزب بکدام اندازه با مردم‌نزدیك است وبه خاطر منافع حیاتی آنها چگونه مبارزه مینماید.

گروپی از منسوبان نظامی درنامه شان عنوانی‌کمیسیون تسوید قانون اساسی تاکید نمودند که ح.د.خ.ا حزبی است که در راه مصالحه‌ملی قاطعانه گام‌گذاشته وبطور پیگیر آنرا دنبال مینماید، ح.د.خ.ا، علی الرغم فراز و نشیب در مبارزات سیاسی سیستم‌چند حزبی رادر کشور اعلام نموده و جسورانه در راه تقسیم قدرت با سایر سازمانها گام برداشت مااجازه نداریم تا تاریخ رابا چشم های بسته به رشتهٔ تحریر در آوریم.

ح.د.خ.ا، وانقلاب ثور سرنوشت نسل کنونی‌ونسل های بعدی مارا تعیین نمود وما اجازه نداریم تاآنرا بدور افگنیم زیرا در اینجا حرف از ملیونها افغان به میان‌نمی آید که زنده گی وسرنوشت شانرا با ح.د.خ.ا،س.د.ج.ا ، اتحادیه‌های صنفی و شوراهای زنان پیوند داده‌اند.

آنها میگویند که چنین حزب واجب احترام است ودر مورد آن اگر در خود متن قانون اساسی یاد آوری‌نمی گردد باید در مقدمه آن‌تذکر به عمل آید.

- کمیسیون تسوید قانون اساسی این پیشنهادات با اعتبار وواقعبینانه را در نظر گرفته است واکنون تصمیم نهایی به لویه جرگه ارتباط میگیرد در مورد این مساله دارای اهمیت خاص خواهشمندم همین اکنون رای بدهید.

(تمام نماینده گان اعتبار نامه های خود را بلند نمودند و این مساله را به اتفاق آراء تصویب نمودند)

آنچه که بنام دولت ارتباط میگیرد اینجا نباید تذکر بدهم که در این مورد نیز پیشنهادات‌زیادی دارای محتوای گوناگون وبعضاًکاملا متضاد مواصلت نموده است واین امر فقط باعث مسرت میگردد واین امر بدان مفهوم است که نظر خواهی‌درفضای دموکراتیك جریان داشته است بعضی ها پیشنهاد می نمایند تاکشور رابنام دولت افغانستان یاد نمائیم بعضی هاجمهوری‌افغانستان، دیگران بنام جمهوری مردم افغانستان عده‌یی خواهان حفظ نام کنونی افغانستان اند چنین پیشنهاداتی نیزوجود داشت جمهوری اسلامی افغانستان ودولت اسلامی ودر نامه یی پیشنهاد گردیده است تاکلیه (افغانستان) حذف گردد زیرا این کلمه به معنی(پشتونستان) است وباید کشور را بنام (آریانا) یاد کرد.

کمیسیون بادقت زیاد این پیشنهادهارا ارزیابی نموده وبه نماینده‌گان لویه جرگه پیشنهاد مینماید تا مانند سابق کشور بنام جمهوری افغانستان یاد شود.کمیسیون دروقت بررسی این مساله مسایل ذیل رادر نظر گرفته است:

کشور ما در گذشته نه چندان دور به چنین نام یاد میگردید.

دوم - اکثریت هموطنانیکه در نظرخواهی عامه پیرامون طرح قانون اساسی شرکت نموده اند خواهان این نام‌اند.

سوم - این نام به صورت کاملتر انعکاس دهنده خصلت دولت کنونی میباشد. از آنجاییکه‌مساله نام کشور با نظریات مختلف مردم مواجه گردیدما تصمیم گرفتیم تا این مساله را به معرض آرای لویه‌جرگه بگذاریم.

نماینده گان محترمیکه میخواهند تا کشور ما بنام جمهوری افغانستان یادگردد لطفا رای بدهند (تمام نماینده‌گان اعتبار نامه های‌خود رابلند نمودند واین مساله‌رابه اتفاق آراء تصویب نمودند)

در وقت نظر خواهی عامه پیرامون طرح قانون‌اساسی دشمنان تلاش نمودند تاپرابلم های خود را مطرح‌نمایند یکی از این مسایل که هیچگونه اساس واقعی ندارد مساله به اصطلاح (خطر دین اسلام) ونقض حقوق مسلمانان در افغانستان ،میباشد.

(بقیه ص۳)

لویه جرگه ها در سیمای تاریخ کشور

نیر حبیب سهیلی رئیس شورای مرکزی جرگهٔ عالی قبایل:

مردم پاکنهاد، وطنپرست ومسلمان افغان همیشه بخاطر تنظیم امور زندگی و منطقوی و حل پرابلم های وطنی خویش از خود رسوم و رواجها، عنعنات و مقررات پسندیده داشته و دارند که جرگه ها و لویه جرگه ها یکی از ین عنعنات پسندیده میباشد.

جرگه ها در افغانستان اززمان آریایی ها بحیث یك عنعنه پسندیده بجا باقیمانده است. آریائی های قدیم دو نوع جرگه داشتند که یکی بنام سبها (عوام) و دیگر آن بنام سمیتی یا (عیان) یاد میشد که تمام مسایل وقت از طریق این دو جرگه حل میشدند.

جرگه سبها یا عوام در داخل قبیله مسایل مربوطه ده و قریه را حل می کردند همچنان به خواست مردم یك جای مورد احترام در اطراف ده و قریه بخاطر تدویر جرگه ها تعیین میگردید و در آنجا جمع میشدند.

جرگه اعیان هم جرگه قبیلوی بود درین جرگه هر کس اشتراك کرده نمیتوانست درین جرگه تنها بزرگان، متنفذین واعیان قبایل



شرکت میکردند که در سرود های ریگویدا هم درین مورد مطالب موجود است و بدین ترتیب عنعنه جرگه از آنزمان به بعد از یك نسل به نسل دیگری انتقال یافت.

نخستین لویه جرگه در سال ۱۷۰۹ م به ابتکار میرویس خان هوتك در قندهار به خاطر تنظیم مبارزات مردم علیه ظلم و استبداد دولت صفوی تدویر گردید، اهمیت بزرگ تاریخی دارد.

دومین لویه جرگه در سال ۱۷۴۷ م در زیارت شیر سرخ قندهار تدویر گردید. درین لویه جرگه بزرگان وروحانیون تمام اقوام، قبایل و ملیتها با هم گرد آمده بودند. از طرف جرگه به صابر شاه کابلی شخصیت روحانی صلاحیت داده شده بود که شاه را پیشنهاد نماید، کد جرگه تاریخی متذکره احمد خان به اتفاق آراء به‌حیث‌شاه انتخاب گردید و در نتیجه تصمیم این لویه جرگه اساس دولت افغانستان مستقل نهاده شد.

همچنان سه لویه جرگه‌ایکه در دوران غازی امان الله خان تدویر گردید، فیصله های مبهم و با اهمیت رااتخاذ نمود درین لویه جرگه‌ها ازیك سو تمام امور اقتصادی و اجتماعی بررسی گردید و از طرف، هم با اتحاد شوروی و یك‌عده کشور های دیگر روابط دیپلوماتیك دولت مستقل افغانستان تائید و تصویب گردید.

باید گفت که لویه جرگه های دوران سلطنت نیز بی اهمیت نبود، زیرا که درا ین جرگه ها نمایندگان واقعی مردم در باره مسایل وحوادث مهم ملی وبین المللی. صدای رسای مردم را بلند کرده‌اند. توام با پیروزی انقلاب ثور. در کشور به عنعنه پسندیده و باستانی جرگه‌ها بیش از پیش توجه معطوف گردید، و جهت انکشاف و استحکام این عنعنه ارزشمند و پر افتخار، تلاشهای همه جانبه آغاز شد که نمونه اشکار سیستم جرگه ها، انتخابات قدرت واداره دولتی ارگانهای محلی میباشد. لویه جرگه سال ۱۳۶۴ ارزش سترگ وموثر دارد که سیاست داخلی و خارجی کشور مان و همچنین دوستی تاریخی افغان شوروی راتائید نموده و در زمینه فیصله های تاریخی صورت گرفت و برضد کشور مان سیاست تجاوز گرانه افشا و محکوم گردید.

دایر شدن جرگه عالی مشران و نمایندگان با صلاحیت اقوام و قبایل سرحدی سال ۱۳۶۴ توام با فیصله های لویه جرگه از اهمیت بزرگ اجتماعی و تاریخی بر خوردار میباشد که به منظور حفظ سرحدات کشور ودفاع از دستاوردهای انقلاب ثور تصامیم مهم اتخاذ نمودند و امروز بحیث ارگان اجرائیوی این جرگه شورای مرکزی جرگه عالی قبایل، وظایف پر افتخارخود را به پیش می برند.

دراین چنین شرایط که بر ضد کشور مان از طرف ارتجاع منطقه، امپریالیزم جهانی و در راس امپریالیزم ایالات متحده امریکا جنگ‌نا اعلام شده جریان دارد، در اثر ابتکار و خلاقیت بزرگ تاریخی حزب و دولت به منظور اعاده و استحکام صلح مشی مصالحهٔ ملی اعلان گردید که از طرف توده های میلیونی کشور ما با پشتیبانی وطرفداری مستحکم موا جه شده است. بهمین‌ترتیب درپروسه توسعه آشتی ملی، طرح قانون اساسی دولت ج.د.ا. به‌نظر خواهی عامه گذاشته شدودر باره آن ازطرف مردم کشور عزیز مان به علاقمندی زیادتقریبا ۱۵هزار پیشنهادو نظریات ارائه شد و مردم بیش از پیش در غنای آن‌سهم گرفتند. بجاست که این قانون بنام قانون مردم و مصالحه مسمی گردیده است. دراین روز ها جهت تصویب نهایی این قانون در شهرکابل لویه جرگه دایر میگردد، که بحیث یك حادثه و رویدادمهم سیاسی و ملی در تاریخ پر افتخار کشور ما ثبت خواهد گردید. در این لویه جرگه برعلاوه تصویب قانون‌اساسی اولین رئیس جمهور دولت ج.د.ا. نیز بصورت آزادو دموکراتیك انتخاب میشودکه حتی جهت این کرسی برای قدرتهای مخالف نیز زمینه کاندید فراهم گردیده است.

اینجانب در این شرایط حساس تاریخی، دایر شدن لویه جرگه رایك امرارزشمند وبرجسته تاریخی شمرده و در زمینه تطبیق تصامیم وموفقیت های بزرگ آن آرزو مندی خود را اظهار میدارم.

مصاحبه کننده: غفور

لویه جرگهٔ ۱۱۲۶ بنیانگذار دولت افغانستان مستقل

احمد خان برگزیدهٔ مردم

صبح یکی از روز های سال (۱۱۶۰ هق) بود. قوماندان عمومی سپاه نورمحمد خان غلجایی در بین خرگاه اینسو و آنسو قدم میزد. آثار تشویش و اضطراب در

چهره‌اش نمایان بود، قوماندانان دیگر نیز در بین خرگاه نشسته بودند. همه نگران به نظر میرسیدند. نگاه ها همه‌متوجه قوماندان عمومی بود. انگار همه آرزو وامید شان را دراو میدیدند. ناگهان نور محمد خان لحظه یی توقف کرد، سپس رو به سوی یکی از افسران نمود و گفت:

— برو به احمد خان بگو. که بااوکار مهمی دارم، یکبار بیاید.

مردازخرگاه بیرون رفت. یکتن از افسران رو جانب نورمحمد نموده گفت:

— حالا چه باید کنیم. یکی پیدا نمیشود که راه وچارهٔ این مشکل را پیداکند؟ هرقدر تاخیر صورت بگیرد رفته رفته چادر ها از عساکر تهی‌خواهد شد.

نور محمد خان گفت: من هم در این اندیشه ام، دنبال احمدخان‌قوماندان‌قشون‌ابدالی بهمین خاطر نفر فرستادم، تابیاید، من‌هرقدر فکر کردم راه جلوگیری از هم پاشیدن قشون را نیافتم، احمد خان شخص‌با درایتیست‌وقوماندانیست باتدبیر، شجاع‌وباحزم کاردانی و لیاقت احمدخان تاآن حدی است که‌بار هانادر شاه در محضر درباریان و اعیان دولت میگفت: درتمام ایران، توران وهند کسی را معادل کفایت و استعداد احمدخان ندیده‌ام، حالا لحظه‌یی صبرکنید تااو بیاید.

چیزی نگذشته بود که صدای سم اسپان شنیده شد ولحظهٔ بعد چادر خرگاه بالا رفت و احمدخان داخل‌خرگاه شد. قوماندانان و افسران به جاهای شان ایستادند، قوماندان عمومی نورمحمد خان غلجایی به استقبالش شتافت و دستان نیرومند احمد خان را بادستان خویش فشرد و گفت:

— سلام احمدخان. بسیار مانده نباشی، ما ترا به یك کار مهمی به اینجازحمت داده‌ایم، که سرنوشت همه‌یی ما به‌آن مربوط است. میبینم که بعداز مرگ نادر شاه، نزدیك است که سپاه ماازهم متلاشی شود. عساکر بی اعتنا شده اند و قشون را ترك میکنند. نمیدانم جلو گیری از آن چگونه خواهد شد من هرقدر کوشیدیم راه وچاره یی به خاطر جلوگیری از آن نیافتم.

احمد خان به اندیشه فرو رفت، با چشمان نافذش هر افسر و قوماندان را از نظر گذراند. همه به اومینگریستند تاراه نجات وچارهٔ این امر را ازاو بشنوند. احمد خان در طول خرگاه گام میزد و در دریای افکارش غوطه ور بود، اوبه این می اندیشید که برای عملی کردن آرزو های‌بزرگش بخاطر آینده کشور و مردمش چه کاری را باید انجام بدهد، او تصمیم گرفت تا تعیین‌شدن یك زمامدار افغان، این قوت متفرق نگردد...

بالاخره پس ازوقفه یی طولانی به نور محمد خان گفت:

— واقعاً بی اعتنایی و عدم اطاعت عساکر قابل اندیشه است. به هر قیمت کەمیشود جلو این از هم پاشیدگی بایدگرفته شود. لطفاً به شیپورچی دستور بدهید که شیپور آماده باش بنوازد.

همه با تعجب به احمد خان نگاه میکردند که هدف اوازاین کار چیست؟ چه میخواهد بکند. پژواك صدای شیپور همه‌جا را فرا گرفت، عساکر از چادر ها با عجله بیرون شدند و لحظه یی بعد سپاهی لشکر با سپر ها، نیزه ها و سیلاوه هادلدشت راپر کرد، نورمحمد خان به احمد خان گفت: همه جمع شده اند.

احمد خان از خرگاه بیرون شدو بەسوی قشونیکه گرد آمده بود روان گردید وبادیگر قوماندانان در بلندی قرار گرفت، نگران به جمعیت عساکر نگاه میکرد، همه چشم ها به قدو بالای نیرومند او که لباس جنگی به تن داشت دوخته شده بود و همه منتظر بودند تابدانند که قوماندان قوای ابدالی وازبکی چه چیز رابه آنهاخواهدگفت،

همه غرق این فکر بودند که ناگهان صدای رسا ونافذ احمد خان بلند شد:

— دلاوران افغان! حتما این را نمیدانید کهٔ چرا شما را جمع کرده ایم؟ میخواهم موضوع بسیار مهمی را به شما بگویم. اول باید من یك چیز را بدانم وآن اینکه. بااززبین رفتن نادر افشار، شما چرا قشون خودرا ترك میکنید؟ آیا شما آن دلاوران جنگجو نیستید، که ازشجاعت ونیروی تان دشمنان درایران، هند وبسا جا های دیگر به زانو در آمدند وامروز که سرنوشت کشور تان مطرح است وبه جای اینکه با این نیروی عظیمی که دارید ازخاك تان دفاع کنید، قشون راترك میکنید. شما میدانید که هیچوقت افغان ها پشت به دشمن نکرده اند ومن یقین دارم‌که شما نیز به‌این بی ننگی تن در نمیدهید، ما تصمیم گرفته ایم که به‌قندهار برویم ودر آنجا مردم باید پادشاه خودرا انتخاب کنند.

اگر شما متفرق شوید میدانید که چه میشود؟ آنوقت دشمن ازاین کار شما استفاده کرده وخاك تان بدست بیگانگان می افتد. آیاشما این را قبول دارید!؟ سخنان احمد خان چنان بر عساکر نفوذ کرده بود که ناگهان‌دل دشت ودمن را غریو عساکر بر خاست وهمه با یکصدا گفتند:

— نه، نه...

فردای آنروزهنگام سپیده‌دم لشکرنیرومندی‌درحدودشانزده هزار تن سواره نظام و پیاده چون سیلاب خروشان به‌حرکت آمدند، صدای سم‌اسپان وگام های عساکر گویی زمین را میلرزاند، همه با سیما های شادو خندان طی منزل‌میکردند ومیرفتند تادر دیار قندهار شاهد بر تخت نشستن شاه افغان باشند در اذهان همه سوالات گوناگون وجود داشت که شاه آینده شان چه‌کسی خواهد بود. قشون با سرعت گام بر میداشت انگار می خواستند زودتر به قندهار برسند وزودتر سر نوشت کشور ومردم شان معلوم گردد....

• • •

تمام اقوام غلجایی، ازبك، هزاره، تاجك و بلوچ با پیشنهاد روسای قبایل در صدد تشکیل جرگه ملی برآمدند تا ذریعهٔآن سرنوشت افغانستان را تعیین کنند، بالاخره دریکی‌از روز های‌سال (۱۱۶۰هـ) در عمارت «مزار شیرسرخ» در داخل قلعه نظامی نادرآباد، جرگه ملی و تاریخی منعقد گردید، در این جرگه عده یی از روسای‌قبایل نور محمدخان غلجایی، محبت‌خان‌پوپلزایی، موسی‌خان اسحاقزایی، نصر الله خان نورزایی، حاجی جمال خان محمدزایی واحمدخان ابدالی... نیز حضور داشتند، رفته‌رفته بر تعداد اعضای جرگه افزوده



شد، خانها و اشخاص بر جسته قبایل نیز گرد آمدند، همه دور هم نشستند ولحظهٔ بعد جرگه آغاز شد. نورمحمدخان غلجایی‌ازگوشه‌یی با صدای نسبتاً بلند همه را مخاطب قرار داده گفت:

— روسا، خانها و مشران محترم! حالا روزیست که ما باید زمامدار خود را انتخاب کنیم شخصی را انتخاب کنیم که مدبر واداره کننده واقعی کشور باشد، تا اکنون به نسبت نداشتن یك زمامدار افغان ازهم متفرق شده اید، ودر این مدت متحمل‌خسارات بزرگی گردیده اید و در طول مجادلات‌در ایران، هرات، قندهار و اطراف آن مشکلات داخلی وطن ما بسیار زیادشده است، بعد ازین به خاطر آرامی و آبادی وطن باید اتحاد واتفاق داشته باشیم وباهمدستی یکدیگر بار اسارت زمانه ها را از شانه های خود دور کنیم، اختیارات را بدست خودبگیریم و این وطن را نظم بدهیم، به همین خاطر اینجا جمع شده ایم واز میان خود کسی را که شایسته زمامداری میدانید انتخاب نمایید.

زمانیکه سخنان نور محمد خان غلجایی به پایان رسید، همه باهم به مباحثه و مناقشه پرداختند، بعضی پیشنهاد ها بنابردلایلی پذیرفته نمیشد، اقوام‌وقبایل‌مختلف‌شامل‌جرگه هر کدام‌رئیس خودرا به حیث شاه پیشنهاد میکردند‌اماتوسط عده یی از اعضای جرگه رد میگردید. صحبت هابه درازا کشید اما هیچ نتیجه نداد بناء جلسهٔ امروز رابه فردا گذاشتند وهرکس پی کارخود روان شد. در خانه ها در میان مردم از جریان جرگه، سخن ها بود مردم با مسرت از این عمل استقبال میکردند به خاطر اینکه بعداز گذشت سالها، مشران آنها، شاه آینده افغانستان را انتخاب میکردند، خوش‌بودند از ینکه صاحب اختیار میشوند وخود سرنوشت خویشرا تعیین مینمایند....

روز دوم جرگه فرا رسید، بازهم اعضای جرگه در مزار شیر سرخ گرد آمدند، جرگه ساعت ها دوام کرد امامو فقیتی مبنی بر انتخاب شاه میسر نمیشد، اگر چه تعداد زیادی به حاجی جمال خان رئیس‌قوم محمدزایی نظر داشتند اماعده دیگر موافقت نشان نمیدادند، هریك از قبایل آرزو داشتند تا ازقبیله ایشان انتخاب گردد، خان های مقتدر هر کدام طالب مقام و سلطنت بودند، تنها کسیکه در این جرگه به نفع خود سخن نمی گفت همانا احمد خان ابدالی بود، زیرا میدانست که قبیله اواز لحاظ کمیت موقف‌کمتری دربین اقوام و طوایف مختلف قندهار دارد و هم عشیرهٔ سدوزایی از سایر عشایرانلک بود. کار امروز جلسه به اتفاق آراء ممکن نشد.

امید امروز مردم نیز که نگران جلسات لوی جرگه‌بودند بسر نرسید وعطش مردم در انتظار انتخاب شاه فرو ننشست، مردم در خانه های شان گویی جرگه های دیگری را تشکیل میدادند وهر فامیل یکی از روسا وخانهای قبایل را نام میبردند که باید شاه باشد، نام های موسی خان، حاجی جمال خان، محبت‌خان... وهم گاهی احمد خان ابدالی رابزبان هامی‌آوردند، مناقشه های فامیلی هر شب جریان داشت و بعضی ها شرط می بستند که گویا فلان خان حتماً به حیث شاه انتخاب خواهدشد اما روز بعد باز هم این شرط ها و خیالهاتقش برآب میشد و نتیجه بدست نمی آمد. هشت روز بهمین منوال گذشت اما هیچ جلسه یی نتیجهٔ ببار نیاورد تا آنکه روز نهم جلسه فرا رسید، روز سر نوشت یك امپراتوری ملت افغان. روز نهم، روز حساس تاریخی بود.

بازهم، همه دور هم گرد آمدند، جروبحث آغاز یافت وفیصله بعمل آمدکه امروزروز آخر جرگه باشدو تصمیم‌نهایی گرفته شود، بعد از گفتگوی زیاد نور محمدخان غلجایی را که ازنگاه کبرسن و تجربه ونفوذیکه در تمام قبایل غلجایی داشت به این امرخطیر شایسته تر دانستند ولی از جانب عده‌یی ازروسای قبایل به نسبت‌حدت مزاج ردگردید ودیگران هم پذیرفتند، شخص دوم را پیشنهاد کردند او رئیس قبایل محمد زایی حاجی جمال خان بود اگر چه اکثریت آراء رابدست آورده بود ولی اقلیت مقابل آن قویتر بودوبه سبب‌نفوذبیشتر وقدرت، استیلا واستبدادآیندهٔ او نگران بودند. بناء اورانیز نپذیرفتند.

جلسه امروز بسیار به درازا کشید ولی‌باز هم مانند روز های گذشته نتیجه یی بدست نیامد، تا بالاخره‌همه فیصله بعمل آوردند که شخصیتی محترم وبا نفوذاین جلسه شخصی را از میان این همه انتخاب نماید وما همه البته رای اورا محترم‌میشماریم ودست‌بیعت میدهیم.

همه چشم ها متوجه مردی روحانی که به گوشه یی نشسته بود گردید، در این هنگام حاجی جمال خان از جایش برخاست و خطاب به همه گفت: ماهمه به درویش صابرشاه کابلی پسر محترم لایخوار که به هیچ یك ازقبیله اعضای شامل جرگه ارتباط نداشته علاوه بر آن تمام مردم به او احترام زیاد دارند صلاحیت میدهیم هرکسی را که انتخاب میکند، ما اورا میپذیریم. همه بایك صدا سخنان اورا تایید کردند. صابر شاه مرد روحانی و محبوب که همه به او ارادت داشتند از جایش بر خاست وگفت:

— لحظه یی بمن اجازه بدهید، بعد از جلسه خارج شد، همه اعضا یکی به سوی دیگرباتعجب نگاه میکردند، خاموشی جلسه را فرا گرفته بود وبه انتظار مرد روحانی دقیقه شماری میکردند، قلب هادرسینه ها می تپیدند، که چه کسی از میان آنها به‌حیث شاه انتخاب خواهد شد، تا آنکه انتظار همه بسر رسید و مرد روحانی در حالیکه خوشهٔ سبز گندم در دست داشت وارد جلسه شد وخطاب به اعضای جلسه گفت:

— فرزندان عزیزم، روسا و خان های محترم! من در این مدت چند روزکه در جلسات حاضر بودم، همه چیز را بطور دقیق شنیده ام ونتیجه‌گیری های هم کرده ام، میدانم که شماخواهان یك حکومت‌مستقل ملی هستید، واین سخت‌گیری های تان در این مدت دال‌براین است تا شخصی رابر گزینید که کشور را از آشوب ها، از وضع اقتصاد ضعیف‌ووضع درهم وبرهم نجات بدهد، من ازمیان‌شماکسی را انتخاب خواهم کرد که توانایی‌ودرایت این را دارد که کشور را از بلیات رهایی ببخشد، این مرد درمیان شماست ومن در این چند روز اورابه طور دقیق مطالعه کرده ام، شخصی‌است آرام وحلیم، اگرچه عمرش از ۲۵ سال تجاوز نمی کند اما جوانی‌مجرب وآزموده است و به حق‌او میتواند از عهده این امر بزرگ بدرشود، کسی‌را که من بر می گزینم البته با مسوولیت انتخاب میکنم. خداوند احمد خان راکه از بزرگترین ونجیب ترین‌خاندان افغانیست برای حکمرانی و شاهی شما خلق کرده است و اگر شما بخواهید با خواست ایزیدی مخالفت ورزید البته اوتعالی نیز جز غضب و قهر خویش بشما نازل نخواهد فرمود.

در صورتیکه مطابق به صوابدید شما عمل نکند به آسانی میتوانید ازاو سلب اعتماد کنید. همه کف زدند و روسای قوم یکی بعد دیگر به احمدشاه قول بیعت دادند، صابرشاه برسرش دستاربست وخوشه گندم را بجای تاج شاهی بر دستار او نصب کرد وگفت: «اینست تاج شاهی تو». با این انتخاب، عظمت ازدست رفتهٔ باستانی افغانی زنده گردید.

دگروال افضل حق‌الحق

در تصویر: لحظه یی که صابر شاه کابلی خوشه گندم را بر دستار احمد شاه میگذارد.

افغانستان



لویه جرگه مرجع اتفاق نظر نمایندگان مردم افغانستان میباشد. درین ◄

لویه جرگهٔ ۱۰۸۸ هـ.ش در زمان میرویس نیکه

بعد از سقوط دولت تیموریان هرات و استلاشی شدن وحدت ملی، زمینه برای تعرض صفویان ایران بر افغانستان مساعد گردید و دولت صفوی ایران با بکار بردن روش تفرقه اندازی و دامن زدن به تعصبات مذهبی پیوسته به قدرت خود می افزود. گرگین نماینده سیاسی آن دولت در قندهار از هیچ نوع ظلم و تجاوز بالای افغانها دریغ نه ورزید. لذا وطن پرستان افغان در صدد از پا درآوردن گرگین شدند و دست به تدویر جرگه های ملی زدند تا به وسیله آن سرنوشت خود را به دست خود شان تعیین نمایند.

بدین ترتیب تدویر نخستین لویه جرگه ملی در سال ۱۰۸۸ به ابتکار میرویس خان هوتك رویداد مهمی در تاریخ کشور مابشمار میرود. این جرگه به رهبری میرویس خان توانست نقش موثری را در حیات اجتماعی و سیاسی جامعه ما بازی نماید و به این طریق هسته اولین حکومت ملی در افغانستان با مساعی پیگیر وطن پرستانه میرویس خان و همکارانش به میان آمد.

در سومین جلسه این جرگه بزرگ ملی و تاریخی تصمیم اتخاذ شد. که گرگین باقشون آن یکجا معدوم گردند و حکومت آزاد ملی تاسیس گردد. درین جرگه وظایف رهبران و قبایل مربوط آنها تعیین شد تا برای حفظ آزادی و مقابله با هرگونه پیش آمد نظامی دولت صفوی آماده گردند. خصوصیت بارز این جرگه تاریخی آن بود که نماینده گان تمام اقوام و قبایل و ملیت ها اعم از پښتون، تاجك، هزاره، ازبك و بلوچ بحیث یك نیروی واحد ملی در آن اشتراك داشته و مقررات جرگه را عملی نمودند.

لویه جرگهٔ ۱۱۲۶ هـ.ش زمان احمدخان ابدالی

باسقوط دولت هوتکی ها بار دیگر دست تسلط دشمن بر سر زمین افغانستان دراز گردید و نادر افشار شهر هرات، فراه، قندهار وغیره را به تصرف خود در آورده و به عزم تسخیر هندوستان کمربست.

نادر به منظور فتح هند عدهٔ از افغان ها را شامل اردوی خود نمود که در زمره آنها احمد خان پسر زمان خان ابدالی که جوان رشید و باشهامت بود نیز وجود داشت. از آنجا ییکه افغان ها خاطرات تلخ استبداد و بیداد گری های گرگین نماینده دولت صفوی را فراموش نکرده بودند، در صدد از پا در آوردن نادر بودند... به این اساس نماینده گان تمام اقوام، قبایل و ملیت ها اعم از پښتون، تاجك، ازبك و هزاره به رهبری نور محمد غلجایی و احمد خان ابدالی به طرف قندهار حرکت کردند و تصمیم تدویر لویه جرگه را به خاطر تعیین سرنوشت کشور اتخاذ نمودند، این لویه جرگه در سال ۱۱۲۶ در عمارت «مزار شیر سرخ» در داخل قلعه نظامی نادرآباد تدویر گردید. جلسات آن مدت نه روز دوام کرده و به روز نهم جلسه، احمد خان ابدالی توسط صابر شاه کابلی که از جانب جرگه موظف شده بود، با گذاشتن خوشه گندم بر دستار احمد خان اورا شاه افغانستان معرفی کرده و شاملان جرگه اورا به اتفاق آرا به حیث پادشاه افغانستان تعیین کردند. این جرگه نقش موثری را در تاریخ سیاسی و اجتماعی افغانستان و در تحکیم و تنظیم دولت ابدالی و اداره آن بازی نمود.

دولت ابدالی در افغانستان که محصول مباحثات و مذاکرات جرگه ملی و تاریخی ۱۱۲۶ شیرسرخ میباشد از ۱۱۲۶ تا ۱۲۲۲ هـ ش مدت نودو شش سال دوام نمود که قسمتی ازین تاریخ خصوصا عصر احمدشاه درانی مملو از افتخارات تاریخی وملی بوده و قسمت دیگر آن را نفاق داخلی، خانه جنگی ها و کشمکش های شهزاده گان سدوزایی در افغانستان تشکیل میدهد که این عوامل زمینه را برای مداخله انگلیس ها در امور داخلی افغانستان فراهم ساخته وعواقب بس ناگوار و دردناك را برای مردم ما به ارمغان آورد.

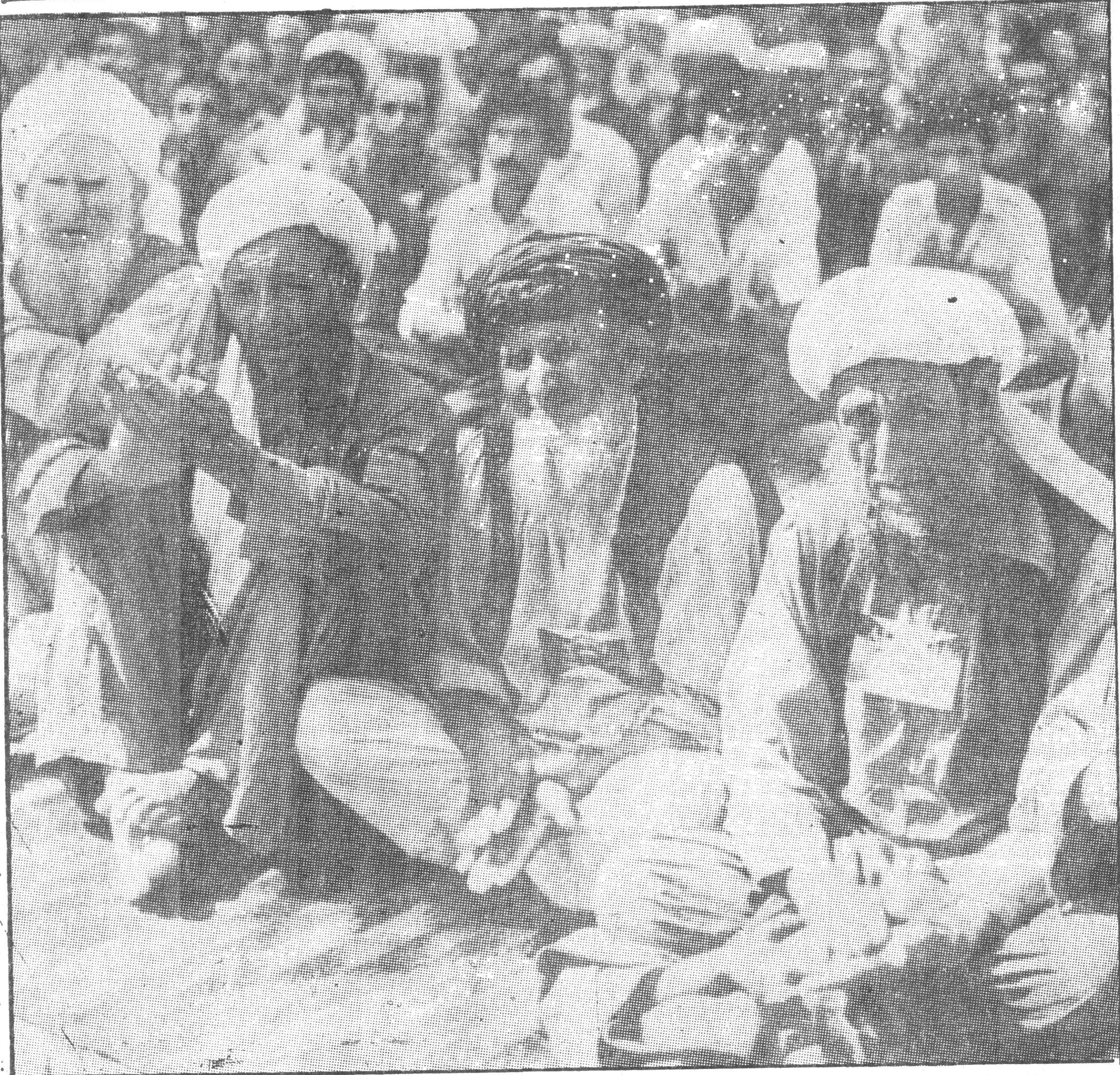
لویه جرگهٔ زمان جنگ اول جهانی

این لویه جرگه که به تعداد پنجصدو چهل نفر نماینده مردم در آن شرکت داشتند به تاریخ ۱۲۹۴ هـ .ش در قصر سلام خانه در شهر کابل دایر گردید. درین جرگه نماینده گان تمام ملیت ها، اقوام، قبایل و نماینده گان روحانیون، علما و موسسات ملکی و نظامی اشتراك نمودند.

در جرگه در باره احوال و اوضاع سیاسی جهان و رویداد جنگ جهانی اول بحث ومذاکره به عمل آمده و فیصله گردید که افغانستان سیاست بی طرفی عنعنوی خود را حفظ کند. سراج الاخبار این موضوع را در شماره چارم همان سال چنین نشر و با اطلاع عامه رسانید: «به همه اهالی افغانستان اعلان میگردد که روش حکومت متبوعه ما درین جنگ عمومی سراسری اروپا بیطرف وغیر جانبدار میباشد، یعنی با هیچ یکی از دولت هاییکه با همدیگر خود شان به جنگ در میافتند به هیچ وجه من الوجوه مشارکت ندارد، به هیچکدام از دولت های محارب نه امداد مالی و نه امداد عسکری میکند و بر ملك هیچ یك از دولت های متحارب تجاوز نمی ورزد، اما این شرط تابه وقتی اعتبار دارد که از طرف آنها نیز بر منافع خصوصیه دولت افغانستان تجاوز بوقوع نیاید.»

ترکیب لویه جرگه کنونی ج.د.ا

در لویه جرگه تاریخی و باعظمت که امروز در شهر کابل تدویر یافته اعضای شورای انقلابی ج.د.ا. اعضای شورای وزیران ج.د.ا. اعضای ستره محکمه ج.د.ا. اعضای لویی څارنوالی ج.د.ا. و معاونین آن. اعضای کمیته اجرائیه جبهه ملی ج.د.ا. روسای کمیته های ولایتی جبهه ملی ج.د.ا. و کمیته های معادل آن. روسای کمیسیون مصالحه ملی ولایات ومعادل آن. نماینده گانی از احزاب سیاسی، اتحادیه های صنفی. اتحادیه کوپراتیفهای دهقانی س.د.ج.ا. اتحادیه ژورنالیستان. انجمن نویسنده گان اتحادیه هنرمندان. شورای سراسری زنان افغانستان انجمن حقوقدانان. اتحادیه پیشه وران ج.د.ا. اعضای کمیسیون عالی مصالحه ملی. روسای کمیته های اجرائیه جرگه های ولایات و معادل آن. نماینده گان شهرهای مراکز ولایات و معادل آن و نواحی اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی و کمیته کاران، نماینده گان جرگهٔ اقوام و قبایل ج.د.ا. نماینده گان جرگه کوچیان، نماینده گان جرگه ملیت هزاره، نماینده گان شورای عالی علما وروحانیون ج.د.ا. اکاد میسین ها و کاندیدان اکاد میسین، نماینده شورای مشورتی اقتصادی ج.د.ا. قهرمانان ج.د.ا. و قهرمانان کار ج.د.ا. نماینده گان قوای مسلح ج.د.ا. ونماینده گان جرگه های ولسوالی ها و علاقه داری ها اشتراك دارند.



مردم با استفاده از عنعنهٔ پسندیده جرگه ها مشکلات خویش را حل وفصل مینمایند.

> **ما رسم ورواج، زنده گی مشترك، برادری، تفاهم نیك بایکدیگر وصلح ودوستی را از نیاکان خویش به ارث گرفته ایم.**
>
> داکتر نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا.

سنت پر افتخار

مفکوره ایجاد و تدویر جرگه های ملی در تاریخ پرشکوه میهن ما سابقه و پیشینه تاریخی دارد که در حیات اجتماعی و سیاسی مردم ارزنده و در خور اهمیت بوده ویکی از آن ممیزات اجتماعی است که طی هزاران سال مقام خویش را در روند تکامل جامعه ما حفظ نموده است. این عنعنه ملی و رسم دیرینه در درازنای سالها، هر چه بیشتر غنا یافته است.

در رابطه به نقش جرگه های ملی در حیات مردم افغانستان باید گفت که یکی از مسایل مهم حیات اجتماعی که طی هزاران سال به شکل عنعنه ملی و تاریخی و نهایت موثر یعنی از همان نخستین دوران انسجام و انتظام حیات اجتماعی و تشکل سازمان های منظم اجتماعی وسیاست وجود داشته است همانا رسم تدویر جرگه ها می باشد. شکی نیست که یك جامعه طی هزاران سال بلا تغییر نمانده، تغییراتی در افزار ها و شیوه تولید ومناسبات تولیدی آن، تغییرات در صورتبندی اجتماعی و رژیم های دولتی وتغییراتی در سطح تکامل فرهنگی آن رخ میدهد، تغییراتی که ناچار در جهت بغرنج شدن. یعنی در سمت تکامل است ولی یکی ازویژه گی های بارز اجتماعی وملی یعنی جرگه مقام خویش را در حیات اجتماعی و سیاسی مردم ما ن حفظ نموده است. با انکشاف حیات اجتماعی در افغانستان قدیم و استقرار نظام سیاسی زمینه تشکل اجتماعی هر چه بیشتر گسترش یافت. به همین منظور است که جرگه ها یا مجالس محلی بنام های سمیتی و سبها که نه تنها هسته تشکل اجتماعی در سطح محل بوده بلکه بر حسب ضرورت زمان که در جهت حل مسایل مهم حیات اجتماعی نقش ارزنده وتاریخی را بازی مینمودند به میان آمدند، این جرگه ها و مجالس ملی عنصر عمده تبارز و انکشاف حیات سیاسی و اجتماعی در جامعه قدیم افغانستان گردید. واین سنت دیرینه و عنعنه پرارزش تا امروز در جامعه ما مقام ارجمندی دارد و یکی از ممیزات عمده دموکراسی در جامعه ما میباشد.

جرگه در جامعه افغانی جلسه مهمی است که جهت حل معضلات اجتماعی و سیاسی دایر گردیده وفیصله آن حیثیت قانون را به خود اختیار میکند.

پدران و نیاکان ما درطول تاریخ جهت تنظیم حیات اجتماعی دارای قوانینی بودند که این قوانین مطابق شرایط اجتماعی و قتا فوقتا از طریق همین جرگه های قومی و ملی تثبیت میگردید که تاکنون به همان ارزش واهمیت خویش پابرجاست و اگر کسی به این قوانین اجتماعی که از طریق جرگه ها وضع میگردد مخالفت ورزد، مورد نکوهش و ماخذه قرار میگیرد. جرگه های ملی و قومی عموماً حیثیت قوه مقننه واجرائیه را دربین مردم ما دارا میباشند زیرا در طول تاریخ موسفیدان وبزرگان مردم اکثراً مسایل داخلی و خارجی جامعه را از طریق همین جرگه ها حل مینمودند.

یکی از خصوصیات وویژه گی های بارز جرگه های ملی در کشور ما این است که تمام اعضای جرگه آزادانه میتوانند در حل مسایل ملی و اجتماعی سهیم شوند و اظهار رای نمایند در حقیقت جرگه های ملی در جامعه ما ممثل اراده مردم ما میباشد.

آنچه بر ارزش واهمیت این جرگه ها در طول تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی مردم ما می افزاید همانا جنبه های تطبیقی و عملی دساتیر این جرگه ها ست که بدون تعلل عملی میگردد. این راهم باید متذکر شد که این چنین جرگه ها نه تنها مشخصه اقوام قبایل و ملیت پشتون ساکن افغانستان، بوده بلکه در بین سایر اقوام قبایل و ملیت های باهم برادر (تاجك ها، هزاره ها، ازبکها، بلوچ ها وترکمن ها) نیز با انواع و اشکال مختلف و خاص وجود داشته ودر سطوح مختلف حسب ضرورت زمان دایر میگردد، علاوه بر جرگه های ملی که تصاویب و دساتیر شان حیثیت وثیقه ملی وقانون را داشته وتعمیل آن بر هر فرد افغان فرض ملی شمرده می شود. به صورت عموم اقوام وقبایل ساکن کشور ما دارای مجالس و جرگه های مشورتی محلی نیز میباشد که بنام مرکه یاد میگردد. گرچه مجالس مشورتی و مرکه ها همردیف جرگه های ملی میباشند اما با تفاوت اینکه جرگه های ملی طوریکه قبلا به آن اشاره شد روی مسایل مهم ملی دایر گردیده که در آن نماینده گان تمام مردم افغانستان ازهمه اقوام، قبایل و ملیتها شرکت می نمایند در حالیکه مرکه بر مسایل و رویداد های کوچك اجتماعی وسیاسی در سطح محل انعقاد می یابد که این همه مجالس مشورتی و ملی در حیات اجتماعی مردم ما نقش فعال وموثر را بعهده دارند.

گرچه تاریخ قرن نزده کشور ما بیانگر عدم استقرار دولت مرکزی، عدم همبستگی سیاسی و سر انجام مداخلات مستقیم نیرو های استعماری در امور داخلی جامعه میباشد با آنهم مبارزات پیگیر و عادلانه مردم ما در جهت همبستگی و بسیج هر چه بیشتر نیرو های ملی و وطن پرست به منظور تار و مار ساختن قوای استعماری و ◄



سرزمین جرگه ها

جامه مردم درباره سرنوشت خویش و کشور خویش تصمیم میگیرند

حقایقی از کمپاین نظرخواهی طرح قانون اساسی

در لویه جرگه تاریخی که امروز تدویر می یابد قانون اساسی جدید کشور به تصویب خواهد رسید.

در جریان بیشتر از سه ماه طرح این قانون بمثابه سند بزرگ حقوقی مصالحه ملی در معرض نظرخواهی آزادانه ودموکراتیک مردم قرارداشت. ح.د.خ.ا. و دولت ج.د.ا. برای آشنایی مردم با طرح وابراز نظر های آنان کمپاین بی سابقه یی راساز ما نداده ونه تنها به نشر آن در وسایل اطلاعات جمعی به تیراژ بسیار بلند مبادرت کردند، بلکه طرح را در گردهمآیی های وسیع مردم در سراسر کشور نیز مورد مباحثه قرارداد ند. بوبهمرفته بیش از دو ملیون فرد بالغ افغان پیرامون این طرح مستقیما به مباحثه پرداختند، طرح تائیدهمگانی رابخود کمایی نمودو در عین حال در حدود پانزده هزارنظر تکمیلی و پیشنهادی در مورد ارائه شد که همه آنها درشکل نهایی طرح قانون اساسی که بلویه جرگه تقدیم میگردد، مدنظر گرفته شده است.

از جمله روزنامه حقیقت انقلاب ثور توانست، طی سه ماه نظرخواهی ۵۶۰ نظر حاوی نامه هاو مصاحبه ها را به نشر برساند برای نامه های که از دید سیاسی وحقوقی عمده بودند، برای نشر عملا حق تقدم داده شد. از جمله نظریات مخالفین که ۷۹ مورد را در بر میگیرفت کاملاً نشر گردید. (منتها این نظریات به امضای کسانی بود که به عضویت درسازمان مخالف شهرت نداشتنند.)

مجموعاً در حدود ۱۰۰۰ نظر به اداره روزنامه مطرح گردیده است ولی آن نظریاتی که فرصت نشر نیافته، بیشتر دارای جنبه های تکرار بوده اند.

اداره روزنامه کاپی مجموعه نظریات را بمجرد وصول به کمیسیون تسوید قانون اساسی ج.د. افغانستان نیز فرستاده است، که بدینگونه هیچ نظری از توجه بدور نمانده است.

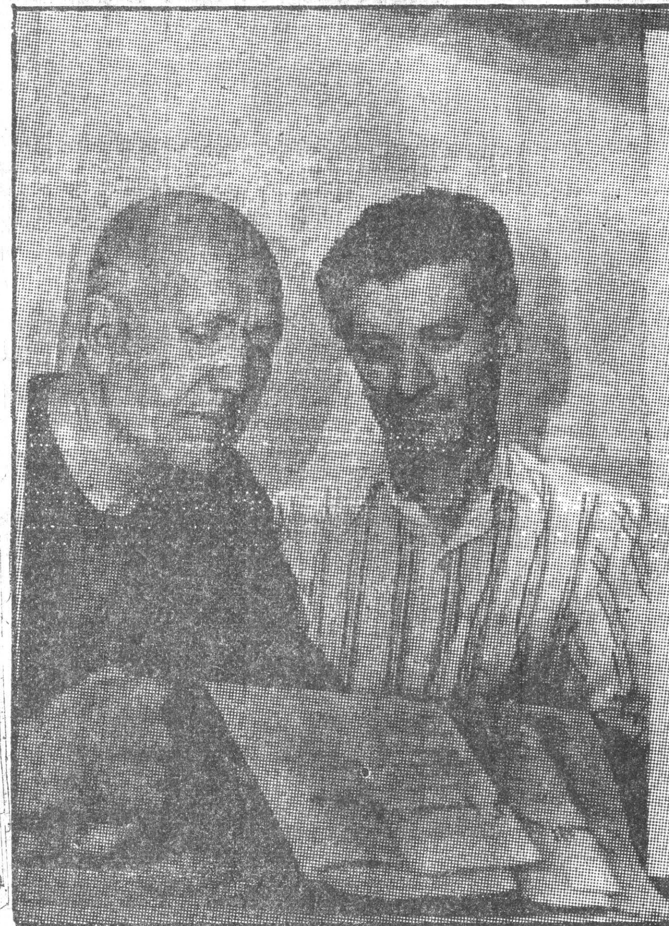
کمپاین جمع آوری نظریات مردم در مورد طرح قانون اساسی از سه جهت درکشور ما بی سابقه ودارای اهمیت استثنایی بود:

۱ـ ازجهت اینکه در افغانستان قبلا کمپاین با چنین وسعت وعلنیت در مورد قانون اساسی براه افتاده بود.

۲ـ از جهت اینکه مسایل اساسی ملی و اجتماعی باحدتی که امروز مطرح است، در گذشته ها مطرح نبود.

۳ـ از جهت اینکه کمپاین امکان درك مشخص تمایلات فکری و خواست های اساسی طبقات، اقشار و ملیت های گوناگون کشور را فراهم آوردو مردم را درین زمینه به تفکر عمیقتر واداشت.





عنعنه جرگه ها و لویه جرگه ها در کشور ما سابقه تاریخی دارد. با پیروزی انقلاب ثور این سنت پسندیده روز تا روز غنا یافته است.

در پرتو مشی مصالحه ملی این مشی انساندوستانه و واقعبینانه مسایل بس عمده توسط این جرگه ها حل وفصل میگردد.

لویه جرگه تاریخی که در واقعیت امر لویه جرگه صلح است، نمایندگان مردم یك بار دیگر برای اتخاذ تصامیم تاریخی، تصویب قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور کشور در کابل، این مهد بزرگترین رویدادهای کشور گرد هم آمده اند.

در عکس ها: نمایی از یك جرگه قومی در ولایت جوزجان ودوتن از پیشه وران کشور حین مطالعه طرح قانون اساسی

لویه جرگهٔ سال ۱۳۰۱

امیرامان الله خان باطرح قوانین واصلاحات اداری، دولت را از چار چوب استبداد و مطلقیت که میراث دوره گذشته بود تا حدود زیادی رهایی بخشید، در سال ۱۳۰۱ نخستین نظامنامه اساسی افغانستان به منظور تامین رفاه عامه طرح و به تصویب نمایندگان ملت رسید.

درین نظامنامه وجایب ووظایف دولت در برابر مردم واز مردم در برابر دولت واضح ساخته شد. بمنظور تصویب مواد مندرج قانون مذکور و شرکت مردم در مسایل مهم، ضرورت به میان آمد تا لویه جرگه نمایندگان مردم دایر گردد.

به این ترتیب لویه جرگه درسال ۱۳۰۱ به اشتراك هشتصدو هفتادو دو نماینده در شهر جلال آباد دایر گردید، جرگه مذکور جلسات خود را پیرامون بحث بر مسوده نظامنامه اساسی در فضای کاملا آزاد و با درنظر داشت منافع ملی ادامه داده وآنرا یك گام سود مند در حیات اجتماعی مردم ماتلقی نمود. زیرا در تاریخ افغانستان نخستین بار بود که دولت طرح نظامنامه اساسی را به مثابه قانون اساسی کشور در معرض شور و بحث نمایندگان قرار میداد.

جنگ دوم جهانی و لویه جرگه افغانستان

جنگ دوم جهانی که توسط فاشیزم شعله ور گردید، درطرف دوسال تمام اروپا را فرا گرفت و خطرات آن تمام جهانیان را تهدید میکرد و بیم آن وجود داشت که تمام دست آورد های بشریت رامحو کند.

دولت های فاشیستی وملیتاریستی تلاش میکردند تااز افغانستان بمثابه تخته خیز تجاوز کار گیرند، جواسیس هتلری به خاطر توسعه نفوذ فاشیزم فعالیت گسترده را سازمان داده بودند که کشور ما رانیز دربرگرفت.

در چنان موقع حساس تاریخی لویه جرگه مردم افغانستان تدویر یافت. تا پیرامون موضعگیری افغانستان در رابطه به جنگ تصمیم اتخاذ کند. فرمان تدویر لویه جرگه مبنی بربحث ومذاکره پیرامون سیاست افغانستان در مورد جنگ دوم جهانی به تمام ملیت ها، اقوام و قبایل کشور صادر گردید، با وصول فرمان نمایندگان انتخابی مردم به منظور اشتراك در لویه جرگه عازم کابل گردیدند. لویه جرگه به اشتراك یك هزارنماینده به روز چهار ده عقرب ۱۳۲۰ در قصر سلام خانه تدویر گردید. در جرگه پیرامون اوضاع سیاسی جهان وافغانستان و تصامیم دولت درزمینه موقف سیاسی آن در قبال جنگ دوم جهانی وطرق اخراج مستخدمین وکارمندان آلمانی وایتالوی از افغانستان بحث ومذاکره صورت گرفت. در نتیجه شورو بحث نمایندگان، تصمیم ذیل را اتخاذ نمودند:

جرگه تصویب میدارد که به خاطر حفظ استقلال کشور مستخدمین وکارمندان آلمانی و ایتالوی تحت شرایط مصوون به کشور های شان برگردانیده شوند.

ما نمایندگان مردم افغانستان که برای لویه جرگه به کابل آمده ایم تصویب میداریم که خط مشی سیاسی افغانستان مبنی بر تعقیب سیاست بی طرفی عنعنوی، کاملا درست است لذا ما نمایندگان لویه جرگه میخواهیم که سیاست بی طرفی کامل کشور که تاحال نگهداشته شده درآینده هم به طور قطعی و درست باید حفظ شود. افغانستان میخواهد در ساحه صلح، با دول متحابه و مخصوصا با همسایه گان خود زنده گی کند، مردم افغانستان حاضر نیستند، هیچ خواهش یا مطالبه ایرا که مستقیم یاغیر مستقیم متضاد شرف وعنعنات و استقلال ما باشد مورد بحث قرار دهد و بهیچصورت به هیچ قدرتی موقع داده نخواهد شد تا ازخاك افغانستان به مقاصد نظامی استفاده کند.

درین لویه جرگه نمایندگان مردم در واقعیت امر برحسن همجواری و دوستی خدشه ناپذیر افغانستان واتحاد شوروی یك بار دیگر صحه گذاشتند.

لویه جرگهٔ سال ۱۳۴۳

مناسبات غیر عادلانه تولیدی، ستم های ملی واجتماعی عکس العمل های مشهود تمام طبقات مردم افغانستان خصوصا روشنفکران مترقی، تحولات روز افزون در جهان انکشاف حیات اجتماعی وظهور جنبش و نهضت های ملی ودموکراتیك در ماورای افغانستان بر اوضاع دراین کشور محاط به خشکه ومنزوی بی تاثیر نبود، استبداد فیودالی، ظلم اربابان ودستگاه حاکمه سیاسی کشور در چنین شرایط اندیشه های آزادی خواهی و تحول طلبی هر چه بیشتر در کشور گسترش می یافت حلقه های روشنفکران هر جا سخن از نهضت میزدند و خواستار آزادی بیشتر بودند، قانون اساسی ایکه ضامن سعادت ورفاه اجتماعی در جامعه بوده باشد در آن زمان بشکل درست وجود نداشت، زیرا اصول اساسی ۱۳۰۹ که سی و چار سال قبل تحت شرایط به خصوص تهیه شده بود به هیچ صورت پاسخگوی خواست مردم نبود.

بدین لحاظ دولت به منظور کسب رضایت مردم اقدام به تجدید نظر بر قانون اساسی کشور نمود، بدین ترتیب از جانب مقامات حاکمه، کمیسیونی جهت تسوید و تنظیم قانون اساسی جدید توظیف گردید. کمیسیون مذکور بکار خویش آغاز نمود و نتیجه کار خویش راکه عبارت از مسوده قانون اساسی بود به لویه جرگه تقدیم کرد. بدین ترتیب لویه جرگه به اشتراك چارصدو پنجاه ودو نماینده در عمارت قصر گلخانه دایر گردید. جرگه در مدت ده روزجلسات پیهم، بر تمام مواد مندرج قانون اساسی افغانستان بحث و غورنمودودر نتیجه قانون اساسی افغانستان را که شامل یازده فصل و یکصدو بیست وهشت ماده بودبه تصویب رسانند.

درین لویه جرگه، نمایندگان مردم از مبارزات عادلانه برادران پشتون و بلوچ، حمایت و پشتیبانی کامل به عمل آورد. درین مورد درقسمتی از اعلامیه لویه جرگه چنین آمده است: مانمایندگان مردم یکبار دیگر پشتیبانی تمام مردم افغانستان را از حقوق حقه برادران پشتون و بلوچ اعلام مینماییم ودر انتظار میباشیم که سرنوشت برادران پشتون وبلوچ مطابق آرزو های حقیقی مردم وزعمای آن حل شده وبرادران پشتون و بلوچ به حقوق خود نایل گردند همچنان درلویه جرگه برسیاست بیطرفی افغانستان، عدم الحاق در پیمان های نظامی، همزیستی مسالمت آمیز، احترام به منشور ملل متحد تاکید صورت گرفت.

نیاکان ما

مداخله گر انگلیس راه خودرا بسوی پیروزی می پیمود و این موفقیت ها زیر نام تشکل جرگه های ملی، قوای امپریالیستی را هر چه بیشتر هراسان میساخت، تا جاییکه این تشکیلات اجتماعی ـ سیاسی یعنی جرگه باعث شکست قوای استعماری انگلیس در افغانستان گردید ویا واضحتر بگوییم مبارزین افغان در اثر فیصله های همین جرگه های ملی در سه نبرد عادلانه و آزادی بخش ملی علیه امپریالیزم انگلیس دلیرانه مبارزه کردندو سر انجام به اثر پیروزی در نبرد مقدس علیه استعمار انگلیس استقلال سیاسی افغانستان در سال ۱۹۱۹ به دست آمد.

آنچه قابل یاد آوری است اینست که مردم افغانستان در طول تاریخ پر افتخار، خود همیشه سعی به عمل آورده اند تا در قضایای مهم و حیاتی یعنی زمانیکه مساله سر نوشت مردم مادرمیان باشد نماینده گان آنها غرض رسیده گی به آن دریك نقطه متمرکز میشوند و راه حل معضله را از طریق افکار و آرای عمومی جستجو مینمایند این اجتماع بزرگ و ملی را که بر سر نوشت تمام مردم کشور، تاثیر داشته و در آن نماینده گان با صلاحیت کلیه اقوام قبایل و ملیت های ساکن کشور شرکت مینمایند، بنام لویه جرگه یا مجلس کبیر مشورتی یاد مینمایند که بزرگترین ممثل اراده مردم افغانستان است.

لویه جرگه در کشور ما ممثل مستقیم دموکراسی بوده و وجود همچو موسسه دموکراتیك ملی، از افتخارات ملی و عنعنوی جامعه ما در طول تاریخ پر شکوه آن محسوب می شود.

قابل یاد آوری است که لویه جرگه ها در تاریخ کشور موجد بسی تحولات عظیم سیاسی و اجتماعی بوده است، تاجاییکه اکثراً آنها باعث تشکیل دولت های نیرو مند در کشور ماگردیده اند، به گونه مثال در قرن هجده ما تشکیل دودولت نیرو مند هوتکیان وسدوزاییان محصول تدابیر و فیصله های همین جرگه های ملی میباشد، به همین گونه پیروزی جنبش رهایی بخش ملی ۱۹۱۹ و شکست امپریالیزم انگلیس در نبرد استقلال به حکم جرگه های ملی صورت گرفته است، با درك این واقعیت که جرگه های ملی ممثل اراده مردم افغانستان بوده وهست، شاه امان الله در طول مدت زمامداری خویش سه مرتبه اقدام به تدویر لویه جرگه نمود.

از سقوط دولت امانی تا پیروزی انقلاب شکوهمند ثور چندین مرتبه لویه جرگه ها غرض بحث پیرامون مسایل ملی در کشور ما انعقاد یافته و نمایندگان مردم تدابیر لازم را درجهت حل معضلات اجتماعی و سیاسی اتخاذ نموده و بر تطبیق آن تاکید نمودند.

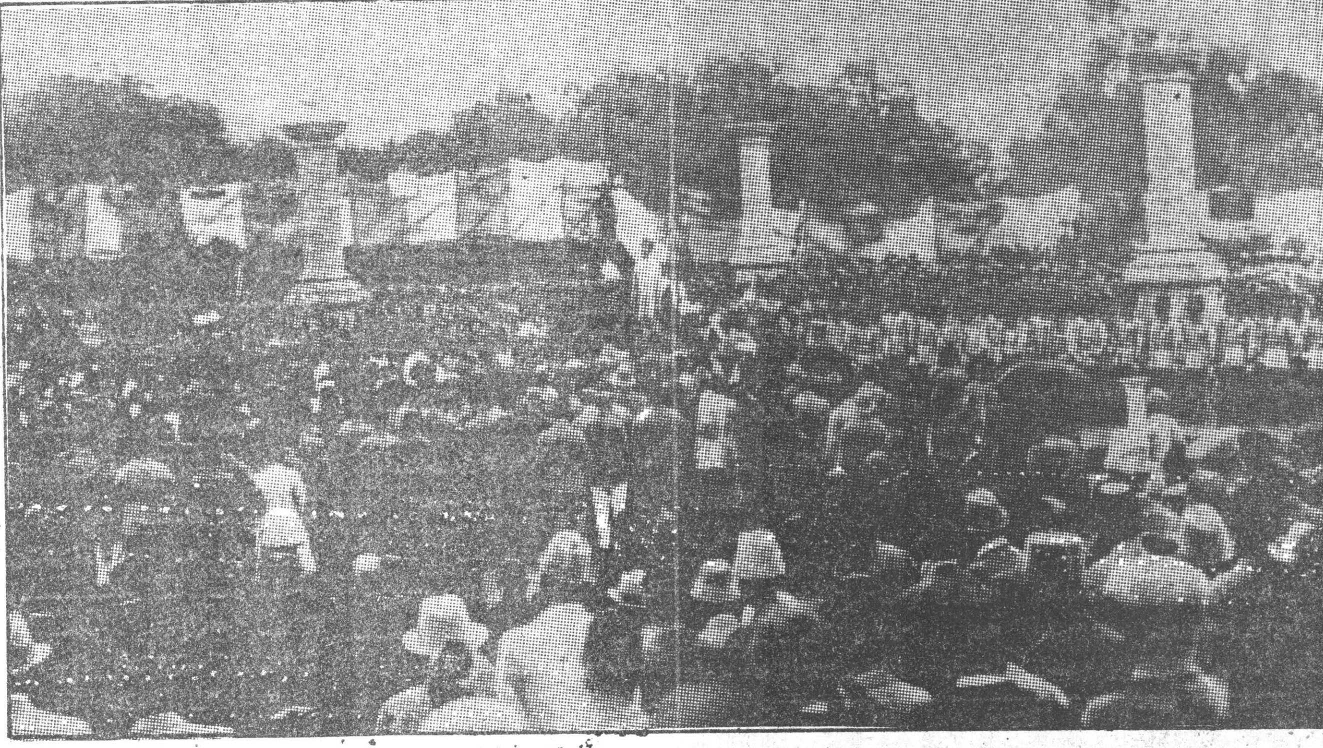
با پیروزی انقلاب ثور و درهم شکستن طلسم سیاست های ظالمانه، راه جهت حل مسایل ملی و اجتماعی برای اشتراك عموم مردم افغانستان آماده گردید و دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان با ارجگذاری اراده مردم بیش از پیش زمینه را برای بسیج و تشکل نیرو های ملی ووطن پرست از طریق جرگه های ملی آماده ساخت. با پیروی از سنن و عنعنات ملی درسال ۱۳۶۴ لویه جرگه جمهوری دموکراتیك افغانستان به منظور بحث روی موضوع سیاست داخلی و خارجی ح.د.خ.ا.ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان دایر شد که در آن فیصله های مهمی در رابطه به تامین صلح وامنیت در کشور اتخاذ شد.

همچنان تدویر جرگه عالی اقوام و قبایل یکی از آن رویداد های اجتماعی است که سنن ملی و پر افتخار مارا زنده نگهمیدارد و یك بار دیگر ثابت میسازد که افغان ها به سنن و عنعنات ملی خویش ارج میگذارند و راه حل معضلات اجتماعی وسیاسی را از طریق آرای عامه جستجو می نمایند.

تدویر جرگه عالی ملیت زحمتکش هزاره نیزازین گونه اقدامات ملی و مردمی حزب ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان میباشد.

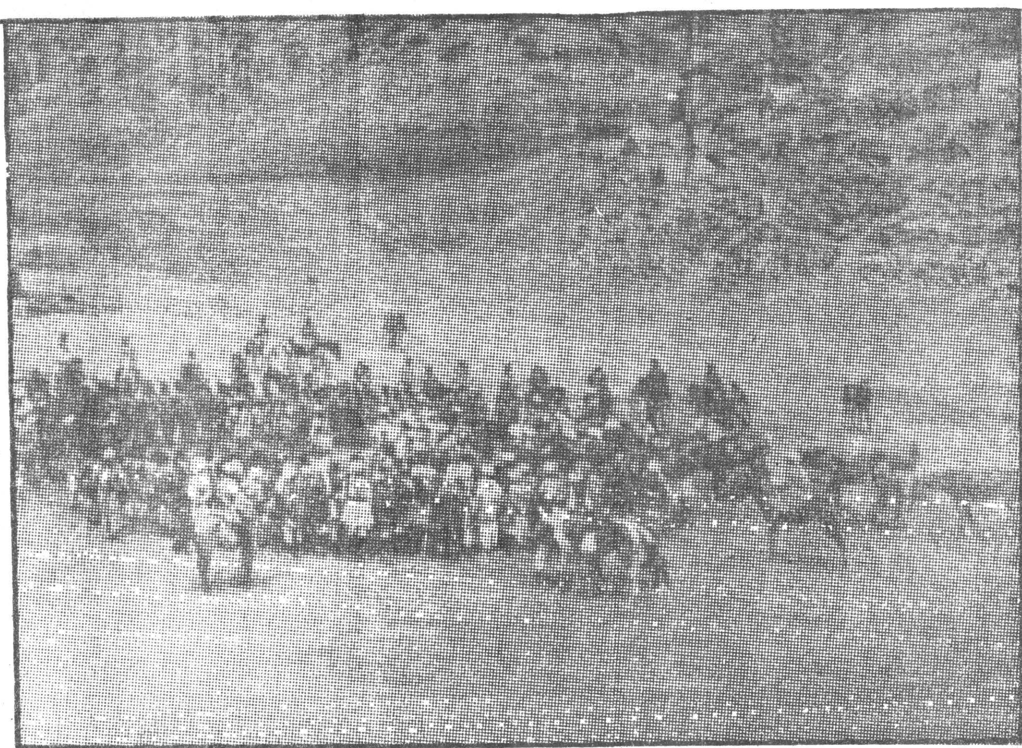
اکنون که ما در آستانه تدویر دومین لویه جرگه در جمهوری دموکراتیك افغانستان قرار داریم، باید گفت که این اقدام یك رخداد بس مهم در حیات سیاسی و اجتماعی مردم ما میباشد، زیرا دومین لویه جرگه مادر شرایطی دایر میگردد که مشی انساندوستانه مصالحه ملی در مرحله تطبیق و اجرا قرار دارد و نمایندگان مردم در پای سندی دستخط میکنند که به موجب آن توده های زحمتکش ومردم کشور ما وارد مرحله نوین حیات سیاسی میشوند و آن عبارت از تصویب قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور می باشد، بحث و غور برد و مساله فوق نقش بس ارزنده و مهم در حیات مردم ما دارد، زیرا تصویب قانون اساسی منحیث یك وثیقه ملی که وجایب ووظایف دولت را در برابر مردم افغانستان وانمود میسازد درواقعیت امر گامی است بسوی دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی و سیاسی مردم افغانستان.

محقق عبدالله مهربان عضو انستیتوت تاریخ اکادمی علوم افغانستان



– مردم مادر شرایط‌حساس سرنوشت ساز تاریخی گرد هم آمده ، در جرگه ها و لویه جرگه هاپیرامون مسایل مهمی که فرا راه آنها قرار داشته است تصمیم اتخاذ و آنرا در عمل تحقق بخشیده اند ، نزد مردم ما تصامیم اتخاذ شده در جرگه ها و لویه جرگه ها حکم قانون را دارد .

عکسها : امیرامان اللهغازی حین ایراد بیانیه‌در اولین‌جشن بعد از استرداد استقلال کشور در پغمانو نمایی یکی‌از جرگه هایی قبل از قیام آزادی بخش مردم ما علیه استعمار انگلیس.



لویه جرگه: مدرسهٔ تربیت سیاسی-اجتماعی

پوهنوال محمد انور برهندیوال استاد پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل:

افغانستان را کشورجرگه ها نامیده اند . مردم با شهامت افغان در لحظات خیلی حساس زنده گی . جرگه هارا به منظور حل و فصل مسایل حاد و مهم‌داخلی وخارجی تدویر نموده و به آرای مردم مراجعه نموده اند.

اگر به صفحات شکومند تاریخ کشور نظر اندازیم، می خوانیم که دوهزار (ق.م) زمانیکه آریایی ها در بلخ متوطن گردیدند در دو مجلس سبها و سیماتی به بحث می پرداختند سبهاو سیماتی عامه ، مجلس نجبا بود و به قول زومر مورخ آلمانی مجلس سماتی عموما در آریانای قدیم پادشاه را انتخاب می نمودند.

کوشانی ها در کاپیسای قدیم لویه جرگه یی به منظور اصلاحات اجتماعی . سیاسی و مذهبی تدویر نمودند که در حدود دو هزار عضو داشت .

به تعقیب آن در قرن هجده اولین لویه جرگه افغانی در زمان میرویس خان هوتک تاسیس گردید که در نتیجه فیصله های این لویه جرگه وتطبیق عملی آن ، به اداره وسلطه صفویان در کندهار خاتمه داده شد .

در سال ۱۷۴۷ در شهر کندهار لویه جرگه دیگر تدویر یافت‌که‌درآن احمدخان ابدالی بحیث پادشاه افغانستان انتخاب گردید .

در جرگه مورخ ۱۸۶۵ م درزمان امارت امیر شیر علی خان که در تپه مرنجان کابل گشایش یافت نماینده گان شامل جرگه باین نتیجه رسیدند : اولا در داخل مملکت امنیت بهتر شود ، ثانیاً وحدت میان مردم تحکیم‌یابد وثالثاً حکومت مرکزی تقویت گردد .

در رابطه با مسایل بین‌المللی در ۱۹۱۵ در وقت امیر حبیب الله خان در لویه‌جرگه مسئاله اشتراک افغانستان‌در جنگ عمومی اول مورد بحث قرار گرفت . قضیه اساسی که درین لویه جرگه مطرح گردید موضوع موضعگیری افغانستان در رابطه باجنگ عمومی اول جهانی بود .

نماینده گان جرگه بر بیطرفی افغانستان رأی‌دادند .

در لویه جرگه تاریخی ۱۳۰۱ –۱۳۰۳ در جلال آباد وجرگه دوم آن در پغمان شاه امان الله پادشاه ترقی خواه افغانستان برای‌تحکیم استقلال کشور به آرای مردم مراجعه کرد و مردم پشتیبانی همه جانبه خویش را از اقدام بشر خواهانه شاه امان الله اعلان داشتند .

به همین منوال میتوان از تدویر جرگه های سال ۱۳۱۰ زمان محمد نادر شاه، ۱۳۴۳ محمد ظاهر شاه ولویه جرگه زمان محمد داود در ۱۳۵۵ یادآوری نمود .

بعد از ثور۱۳۵۷ لویه‌جرگه دیگری در ۱۳۶۴ در کابل گشایش یافت و در آن‌تصامیم لازم اتخاذ گردید .

واینک باز جهت تصویب قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور لویه جرگه تدویر می یابد .

سیر تاریخی جرگه هاثابت نموده است به هر اندازه‌که انتخاب واقعی نماینده گان مردم در لویه جرگه تحقق یابد به همان اندازه تصامیم لویه جرگه شکل واقعی داشته و از پرستیژ عالی برخوردار میباشد . اهمیت موضوع درینجاست که تصامیم لویه جرگه به صورت جدی وواقعی تطبیق گردد ،دز اخیر علاوه می نمایم که موسسه سیاسی لویه جرگه در افغانستان یك مکتب مهم برای تربیه سیاسی و اجتماعی مردم افغانستان بوده و میباشد. هر قدریکه از جانب مسوولین امور مملکت باین جرگه مهم دموکراتیك توجه بیشتر صورت گیرد همانقدر رعایت سابقه تاریخی خود را نموده اند .

از علما و متفکرین سیاسی مملکت توقع میرود تا در مورد نقش لویه جرگه نشرات بیشتر نمایند . مصاحبه ازشعله

تهدابگذاری

به افتخار تدویر لویه جرگه ج.د.ا، پرپروز سنگ تهداب مکتب ۱۲ صنفی در منطقه یکه توت مربوط ناحیه نهم توسط رفیق فرید احمد مزدك عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و منشی اول سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان گذاشته شد . این مکتب که گنجایش ٤٤٠ شاگرد را در یك تایم خواهد داشت الی اخیر سال جاری طور اساسی و پخته به همکاری سازمان جوانان شهر کابل ومساعدت اهالی منطقه اعمار و مورد بهره برداری قرار میگیرد .

باختر

قهرمان معرکهٔ استقلال

دربارهٔ غازی امان‌الله‌خان

مردم او را غازی خطاب میکردند واز صمیم قلب به تعمیل اوامرش می‌پرداختند.

زیرا که او همه توانایی‌خرد خودرا وقف مقدس ترین آرمان ها – استقلال و ترقی کشورو مردم خود نموده بود باتر ك زنده گی مجلل شاهی.

با جنبش آزادی خواهانه مردم کشوری که دردرازنای تاریخ هر پارچه خاك آنرا با خون شان میهادگاه مقدس وطن پرستان ساخته اند،در آمیخت . بعد از مرگ پدر ، صدای آزادی خواهی را بلند کرد ، پای جهاد را با انگلیس در میان کشید ، شور و هیجان ملی را برافروخت ، و همه ملیت ها . اقوام و قبایل کشور رابدور خود یافت .

ازامان الله خان غازی ، سخن در میان است، شخصی که در تمام زنده گی خود با عشق آتشین برای استقلال واعتلای کشور مبارزه کرد. اوکه در (۱۸۹۱م) در پغمان زیبا به دنیا آمد چون فضای آنجا آزاده به بارآمد. در کودکی . در مکاتب کابل به آموزش پرداخت وازاستادان شخصی علوم‌مروجه آنزمان رابا استعداد خاصی فرا گرفت . در جریان همین تعلیم و تربیه ، او شخصی صاحب نظر و دارای افکار عالی ببار آمد . او از همان آوان نو جوانی صاحب طبیعت سر شار ، اراده متین وقلب پر تپش بود .

در جوانی با قشر روشنفکر افغانستان که به حیث نماینده گان مردم‌علیه استبداد داخلی و نفوذسیاسی خارجی مبارزه میکردند. ارتباط نزدیك پیدا کرد و در شرایط سیاسی و اقتصادی که زمینه یك تحول اجتماعی ودگرگونی بنیادی سیاسی رابر ضد استبداد داخلی و نفوذ خارجی آماده داشت ، از آنان بارو حیه آزادی خواهی تربیت آموخت .

اوبا موقف و فراستی که داشت ، به زودی درراس قشر روشنفکران آزادی خواه قرار گرفت و بعد از مرگ پدرش در بیست و هشت فبروری ۱۹۱۹ استقلال سیاسی‌کشور را با چنین عشق عمیق به‌مردم وکشور خود و با چنین‌اهداف والای بشری اعلام داشت :

«ای ملت معظم افغانستان! من عهد بستم که بایستی دولت افغانستان مانند سایر قدرت های مستقل جهان ، درداخل و خارج کشورآزاد و مستقل باشد و از هرگونه تجاوز و ظلمی محفوظ باشد .

حکومت ما در افغانستان اصلاحاتی میخواهد نمود که ملت و مملکت مابتوانند دربین ملل متمدن جهان جای مناسب مقام خود را حاصل نمایند...»

این اعلام استقلال کشور بود واعلام جنگ با فاتح عمده جنگ اول جهانی . این‌اعلام در شرایطمتضاد صورت گرفت که مردم آزاد منش ما دیگر نمی توانستندزنده‌گی رقتبار و حقارت آمیز تحت اسارت انگریز به‌پیش ببرند وازدهای استعمار انگلیس به هیچ وجه نمی خواست ، کلید هندوستان طلایی را از دست دهد .

امان الله غازی مجلس مشوره نظامی را دایر کرد ، سپاه اردوی ملی را به سه‌جبهه:قندهار، پکتیا، خیبر تقسیم نمود . کدام مرکز عالی سوق و اداره اردوی ملی وجود نداشت . تمام ثقل این وظیفه سنگین‌بدوش وی بود .

بهار بود . بهار آزادی . با اعلان استقلال کشور جوانان ، پیر مردان وزنان در سپاه و قطعات اردوی ملی داوطلبانه گرد آمدند. در همه جبهات علیه‌استعمار کهن سال انگلیس تاختند .

در محاذ خیبر ، در ماه ثور صالح محمد خان قوماندان جبهه شرقی همینکه در دهنه خیبر رسید و از اوضاع هیجانی مردم در هر دوطرف «خط دیورند» مطلع گردید ، بدون درنگ به حمله وتعرض پرداخت تا اولین افسرافغانی باشد که داخل پشاور گردد.

در محاذ جنوب با رسیدن اطلاع اعلان جنگ باانگلیس در سر تا سر پکتیا غریو عمومی برخاست واین مردم دلیر اعلام جنگ با انگلیس را در منزلت جشنی استقبال نمودند ، بارسیدن سپاه ملی صداهای هزاران شلیك تفنگ و صدای طبل ونای مرد و زن بلند بود .

درین محاذ مجاهدین ملی و سپاه افغانی ، قشون انگلیس را در هم شکسته ، قلعه های نظامی دشمن رابه زودی فتح کردند و بیرق استقلال افغانستان رابر فراز آن افراشتند .

در محاذ قندهار سر دار عبدالقدوس خان با سپاه‌خود، بمجرد ورود در قندهار خود بنام جهاد کفن پوشید وهزاران نفر از مردم با اسلحه و آذوقه شخصی در زیر بیرق او جمع شده، قطعات اردوی ملی « خط دیورند » را عبور کردند و یك و نیم میل تا موضع «بفره » پیش رفتند .

انگلیس ها که شکست قوای خود را دیدند ،ازنیرنگ ویژه خود استفاده کردند ، باشرط تصدیق استقلال افغانستان پیشنهاد متارکه نمودند . مذاکرات صورت گرفت و قرارداد راولپندی در هشت اگست به امضا رسید . علی احمد رئیس‌هیات افغانی در این قرار دادلغزید وقرار داد به نفع انگلیس تمام شد . در قرار داد همان سرحدات زمان حبیب‌الله خان یعنی « خط دیورند » قبول شد . علی احمد با وجود هدایات صریح‌ودستور العمل مفصلی که از طرف مجلس‌وزرا وشاه امان‌الله به‌او داده شده بود ، معاهده صلح را به ضرر افغانستان امضا کرد .

به هر حال در نتیجه حصول استقلال افغانستان، امان الله خان در اذهان مردم ما به حیث قهرمان ومعمار که استقلال کشور جای گرفت .

امان الله خان بعد از حصول استقلال سیاسی به اصلاحات داخلی و ترقی اجتماعی کشور که یکی از بزرگترین آرزو های اوبود ، دست اندر کار شد . نخست‌از همه متوجه بخش مورد علاقه اش یعنی معارف‌گردید، با دستیاری مردم که طالب پیشرفت بودند . مکاتب زیادی ساخت ، در پایتخت برعلاوه لیسه حبیبیه ، لیسه های امانی وامانی توسط پروفیسوران فرانسوی و جرمنی واستادان‌داخلی تاسیس گردید.

مکاتب رشدیه غازی ، رشدیه استقلال ، تلگراف ، رسامی ،نجاری ، معماری ، السنه ، زراعت ، دارالعلوم عربی ، رشدیه مستورات، رشدیه جلال آباد ، رشدیه قندهار ، رشدیه هرات ، دارالمعلمین هرات ،رشدیه مزارشریف، رشدیه قطغن و مکتب پلیس ، موزیك، قالین بافی ، تدبیر منزل زنانه، مکتب طبیه ، مستورات و بیشتر از سه صد و بیست و در باب مکتب ابتداییه در تمام ولایات کشور ایجاد گردید . محصلین افغانی به کشور های خارجی غرض تحصیل اعزام شدند، کتابخانه ها ایجاد شده ونشرات آزاد ملی به کار آغاز نمودند.

امان الله خان خودش در یکی از کورس های بزرگسالان به حیث معلم درس میداد .

درپرتو آرمانهای ترقیخواهانه امان الله خان ، مردم ترقی پسند افغانستان انرژی‌می گرفتند ، با جدیت خاص مشغول کار اساس‌گذاری اقتصاد ملی می شدند. درین پروسه ، فابریکه‌گوگردسازی در دارالامان ساخته شد و تهداب فابریکه قند سازی در جلال آباد گذاشته شد ، از شهر کابل الی دارالامان خط آهن کشیده شد و ریل بالای آن به حرکت افتاد ،کار کشیدن خط آهن از جنوب به شمال کشور آغاز شده، تمدید لین تلگراف وتیلفون بین مرکز وولایات کشور روی دست گرفته شد ، ستیشن های برقی در پغمان وجلال آباد و قندهار زیر کار گرفته شد ، به کارخانه های چرمگری و باروت سازی ، سمنت و گوگرد برق داده شد ، کارخانه های ترمیم موتر و پرزه سازی ، صابون و عطریات تختابی وپارچه بافی،نجاری ویخ سازی ، پنبه و روغن کشی در قندهار ، مزارشریف وهرات تاسیس گردید ، و اعمار ده ها فابریکه دیگر در نظر بود .

درین مرحله پنجساله (۱۹۱۹–۱۹۲٤) امانالله خان شخصا در راس همه قوه های دولتی به شکل فعال قرار داشت ، صمیمانه کارمیکرد، لباس یخن بسته از پارچه های وطنی می پوشید ،به تجمل و عیاشی نمی‌پرداخت و روز ها تا نیمه شب کار میکرد .

حال دیگر زمانی رسیده بود که باید بر پیکر بقایای نظام برده گی و فیودالی ضربات مرگباری فرود آورده میشد ، او با الهام گیری از میرویس نیکه و احمد شاه بابا که نزدوی مقام ومرتبت والا داشتند در ۱۹۲۲ لویه جرگه را فرا خواند. هشتصدو هشتادو دو تن نماینده از اقوام قبایل و ملیت های مختلف ساکن در کشور در هوای دلپذیر جلال‌آباد گرد آمدند. اوضاع هیجانی بود . در آن طرف « خط دیورند » انگلیس ها را تشویش جدید فراگرفته بود .

باز هم همان قهرمان استقلال و باز هم همان‌مشران نماینده گان مردم ووطن پرستان قهرمان یکجا شده بودند .

درین لویه جرگه، امان‌الله خان برخاست و چون عادت دایمی خود به طور شفاهی ، با « زبان شیر و شکر » ; پشتو و دری گفت :

شما نماینده گان حقیقی ملت معظم که برای شور و بحث و تصویب حیاتی ترین مسایل تحکیم استقلال‌واعتلای کشور ، گرد آمده اید ، باید روی این مسایل به طور رزنده و جدی غور و بحث نمایید و آن طوریکه مردم تان آرزوی حل و فصل مسایل را دارند ، آنرا تصویب نمایید .

در ختم بیان امان اللهخان صدا های تاییدی اشتراك کننده گان بلند شد .

درین جلسات اساسا بحث روی مواد نخستین نظامنامه اساسی افغانستان یعنی نخستین قانون اساسی افغانستان جریان داشت. مواد نظامنامه اساسی در جلسه قرائت میگردید . اشتراك کننده‌گان روی آن مباحثه میکردند .

نخستین ماده قانون قرائت گردید : « افغانستان، کشوریست آزاد ومستقل ...» صدا های هیجانی‌بلند شد. هیچ تردیدی نبود .

بر اساس اعتمادی که نماینده گان جرگه بر امان الله خان داشتند ، اکثر مواد قانون اساسی را تصویب نمودند : « شاه غیر مسوول است »، «مطبوعات واخبارات داخله آزاد می باشد » ، « همه افراد که در مملکت افغانستان میباشند بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشود»، «کافه اتباع افغانستان در امور دینی و مذهبی ،آزادی کامل دارند » ، «درافغانستان اصول اسارت (برده گی) بالکل موقوف » و « بیگار به کلی تحریم است » ...تصویب قانون اساسی ، نخستین قدم بزرگ در برنامه‌اصلاحات امان الله خان بود .

شاه امان الله صادقانه کار میکرد، وبا اینکه بعضا اشتباهاتی ازاوسر میزد باز هم طرف اعتماد مردم قرار داشت .

او هم در کار های بزرگ به آرای عامه مراجعه میکرد و برای حل مسایل دشوار ، لویه جرگه‌رادعوت میکرد .امان الله خان درحین اغتشاشات علیه اودر جون ۱۹۲٤ باز هم لویه جرگه‌را فرا خواند تا بالای‌نظامنامه جدیدی که باعث نارضایتی مردم گشته بود شور و بحث کنند و در مورد شورشی به وجود آمده که توسطانگلیس ها سازمان داده شده بود تصمیم بگیرند .

اشتراك کننده گان لویه جرگه تصامیمی اتخاذنمودند که با نظامنامه هم آهنگ نبود ، ولی امان الله خان که به رای مردم ارج‌بزرگ قایل بود مصوبه لویه‌جرگه را خلاف اراده خود امضاکرد امان الله خان که از حمایت توده های‌مردم برخوردار بود در جنگ علیه اغتشاشیون که بیش از یکسال دوام ، داشت ، فاتح بر آمد .

وی بعد ازین بیشتر از همه متوجه تحکیم بنیان وحدت ملی در کشور گردید وعاقلانه این وحدت رابر محور برادری و حقوق مساوی مردم به گردش‌انداخت . محصلین رابه کشور های پیشرفته اعزام کرد ، باکشور های خارجی ارتباط قایم نمود و خود آرزوی‌رفتن به کشور های خارجی پیدا کرد .

بقیه درص۷

لویه جرگه تاریخی مردم افغانستان گشایش یافت

متن بیانیه رفیق نجیب الله

(بقیه ص ۲)

این یک مساله خاص است ومیخواهم در مورد آن مفصل تر صحبت نمایم وطن محبوب ما تحت نام دفاع از اسلام با تجاوزات بیرحمانه فعالیت های تخریبی وسیع و تجاوز مسلحانه علنی امپریالیزم جهانی وارتجاع منطقه مواجه گردید، تمام جهانیان اکنون میدانند که شعار ، مبارزه به خاطر اعتقاد ،عبارت از آن پرده ساتر تبلیغاتی وماسک فعالیتهای تروریستی وتخریبی سازمانهای ضد انقلابی و باند گروپها و مفرزه های که تحت رهبری آنها کار مینمایند ، میباشد که به خاطر پول هنگفت کار خونین را در سر زمین ما انجام میدهند طی سالهای جنگ اعلام ناشده ضد انقلاب به نام اینکه(جهاد) مینمایند ۳۸۷ مسجد و۱۵ مکان مقدسه را تخریب نموده و ۶۱۰ ملاامام را به قتل رسانیده اند در بین شهداء تعداد زیاد روحانیون محترم ومشهور کشور ما وجوددارند یکی از این روحانیون وطنپرست مولوی رحمت الله ارزگانی شرکت کننده جنگ استقلال علیه انگلیسها میباشد آنها فقط یک گناه داشتند که به عناصر خاین به وطن ومردم نگرائیدند اینجانب باتمام نیرو از شما نماینده گان لویه جرگه ،نماینده گان روحانیون محترم و تمام مسلمانان کشور که از تمام گوشه وکنار وطن باستانی مادرینجا گرد هم آمده اید وازتمام نماینده گان اقوام وقبایل کشور میپرسم:

– آیا شما دیده اید که در کدام گوشه یی از وطن ما اسلام درخطر باشد ؟(حاکمیت مردمی در ماده دوم قانون اساسی کشور درج نموده است که دین مقدس اسلام دین افغانستان میباشد.)

– آیا میتواند خطری متوجه اسلام باشد در صورتیکه دولت ملیونها افغانی را برای اعمار مساجد ترمیم واحیای آنها برای حفظ اماکن متبرکه وافتتاح مرکز تحقیقات اسلامی به مصرف میرساند.

– آیا میتواند خطری متوجه اسلام باشد در حالیکه هزارها مسلمان متدین به حساب دولت برای ادای مناسک حج به مکه معظمه میروند ودرسال جاری دو فروند طیاره عصری خریداری گردید که در تمام طول تابستان حجاج رابه مکه معظمه واز آنجا به کشور منتقل می ساخت.

– آیا میتواند خطری متوجه اسلام باشد در صورتیکه در اردو ، در ارگانهای عالی ومحلی حاکمیت هزارها خادم دین به نفع مردم شان فعالیت مینمایند واین رقم باگذشت هر روز افزایش می یابد.

– آیا میتواند خطری متوجه اسلام باشد در حالیکه تمام زمینهای وقفی تحت حمایت دولت قرار داشته واز هرگونه دستبرد در امان میباشد.

– آیا میتوان در مورد خطر به اسلام صحبت کرد درصورتیکه بیشتر از بیست هزار تن ملاامام معاش دولتی اخذ مینمایند . تاتوانسته باشند که وجیبه مقدس شانرا به وجه احسن انجام دهند.

نخیر ، نخیر ، نخیر.

دروغ قبیح تر ازین که بتواند روح مسلمانان صادق را آزار بدهد وجود ندارد با مشاهده جنایات سیاه بیشمار ضد انقلاب ما اعلام میداریم اسلام زمانی با خطر مواجه میگردد که دشمنان وخاینین مردم ما هموطنان خود را به قتل میرسانند واماکن مقدس همه ما را تخریب نموده وبه خاک یکسان میسازند.

در قرآن عظیم الشان درمورد این سیه دلان چنین آمده است (سوره ۲ آیت ۱۱۴)

(ومن ظلم ممن منع مساجد الله ان یذکرفیها اسمه وسعی فی خرابها اولئک ما کان لهم ان یدخلوها الاخائفین)

(نیست کسی ظالم تر از شخصیکه منع میکند مساجد خداوند را از اینکه ذکرخداوند در آن شود وسعی وتلاش میورزد در خرابی آن پس آن افراد مناسب نیست اینکه داخل شوند مساجد را مگر ترسناک از مسلمانان)این ارشادات در مورد دشمنان اسلام وضد انقلاب میباشد.

دوستان عزیز ! اینجانب به این امر معتقد هستم که تمام ما شرکت کننده گان این لویه جرگه تاریخی با اطمینان میتوانیم اعلام نمائیم که – طرح قانون اساسی مصالحه ملی در مواد خود دموکراسی پیگیر برخورد عمیقا انسانی را نسبت به موقف انسان و حقوق بشر در کشور ما نهفته دارد.

قانون اساسی با تمام وضاحت نمایانگر آنست که دولت ما، سازمانهای سیاسی واجتماعی ، جبهه ملی ، اتحادیه های صنفی ،کوپراتیف ها ،در استفاده وسیع ازکارانسان به تاسی از حقوق و آزادی هایی که برای حل موفقانه وظایف اقتصادی واجتماعی وبرای رشد آزادانه و همه جانبه شخصیت برای آنها واگذار گردیده است، زیاد علاقمند اند میخواهم به طور خاص تاکید نمایم که این امر توسط توسعه قابل ملاحظه حقوق و آزادیهای که قبلا در (اصول اساسی ج.د.ا.) درج گردیده بود، مشخص می گردند . این مساله را می توان در ماده بیستو سوم طرح که مهمترین مساله حقوق دهقانان بالای زمین را توضیح داده است ، مشاهده نمود .دولت مانه تنها یکبار دیگربالای حق دهقانان زحمتکش تاکید به عمل می آورد ، بلکه مسوولیت تشویق ایجاد فارمهای میکانیزه زراعتی منجمله خصوصی و کمک برای استفاده از زمین های بایر رانیز به عهده می گیرد.

تفسیر موضوع تساوی حقوق ملل در کشور ما به اندازه قابل ملاحظه با محتوای دموکراتیک تعمیق وتکمیل گردیده است به اصل خود گردانی مردم در مواردیکه سیستم ارگانهای قدرت را در مرکز و در محلات مشخص میسازند ، مقام خاصی در طرح درنظر گرفته شده است.

همچنان لازم است تاکید نمود که در طرح قانون اساسی حقوق و آزادیهای جدید نیز گنجانیده شده اند مثال زنده آن عبارت از حق مردم افغانستان برای شرکت در ایجاد احزاب جدید سیاسی می باشد.

لازم است تذکر داد که در مورد قانون اساسی ارتباط متقابل حقوق و آزادی های اتباع با مسوولیت ها و تایید تضمین های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی ، فرهنگی وحقوقی وتحقق آنها نیز توضیح داده شده است.

میخواهم به صورت خاص توجه نماینده گان محترم لویه جرگه رابالای مساله ارتباط محکم حقوق ومسوولیت های اتباع که در متن قانون اساسی آمده است ، جلب نمایم.

هر تبعه کشور ما بشمول رئیس دولت در اجتماع افرادیکه باوی حقوق امروز به خاطر آن مبارزه

مساوی دارند زیست می نماید هم رئیس جمهور وهم دهقان تهیدست در برابر قانون مساوی اند. حاکمیت دموکراتیک امکانات مادی واجتماعی رابرای اتباع مهیا میسازد تاآنهادرمکاتب لیسه ها ومکاتب تخنیکی و حرفوی انستیتوت ها، پوهنتونها تحصیل نمایند.

امکان استفاده از خدمات طبی تامینات اجتماعی و تمام دستآورد های فرهنگی رابرای آنها میسر میسازد ، مانه تنها سیاست مصالحه ملی را اعلام نمودیم بلکه برای تسریع آن برای قطع جنگ برادر کشی برای ختم جنگ اعلام ناشده ومداخلات ارتجاع بین المللی در امور داخلی کشور ما حد اکثر تلاش به خرچ میدهیم ، ضمنا هدف ما خیلی انسانی است یعنی تامین حق عالی هر انسان یعنی حق زنده گی در شرایط صلح.

اما حقوق و آزادی هایی که در طرح قانون اساسی دولت درج گردیده انحصرف در صورتی می توانند تحقق بیابند که اعضای جامعه تمام اتباع به طورصادقانه مسوولیت هاووظایف شانرا انجام دهند به جز از ماهیچکس نمی تواند ارزش های مادی رابوجود بیاورد بالای زمین هاکار نماید ، حاصل بر دارد ،خانه های رهایشی و شفاخانه ها موسسات و مکاتب را اعمار نمایندکه برای تامین حقوق خود مازیاد ضروری می باشند بدین ترتیب هر تبعه کشور ما باید در محل کار خود صادقانه زحمت بکشد وشرافتمندانه در ادای خدمت کند در طرح قانون اساسی مسوولیت ها ووجایب اتباع طوری فورمولبندی شده است که جوابگوی منافع انسان و در عین زمان منافع جامعه باشد ضمنا این اصل اکنون نخصلت همگانی رابه خود کسب نموده است . زیرا که برای اولین بار در تاریخ رشد کشور ما قانون اساسی بالای رئیس دولت نیز نافذ گردیده است . رئیس جمهور به خاطر عدم رعایت مکلفیت های که قانون به عهده وی گذاشته است و تعلل از پرنسیپ های قانون اساسی می تواند مورد انتقاد و حتی محاکمه قرار گیرد ، حقوق و آزادی های مسجل در طرح بانظریات وتصورات و سیعترین اقشار زحمتکشان وطن محبوب ما مطابقت دارد.

متاسفانه انسانهایی در جامعه ما وجود دارد که وظایف خودرا در برابر وطن ووجایب مستقیم خود را در برابر جامعه فراموش میکنند اما حقوق خودرا به خوبی درک میکنند مثال ساده را درنظر میگیریم ما می گوییم تاجوانان ما یعنی آینده افغانستان تحصیل یافته باشند و مسلک گرانبها برای جامعه ما یعنی رشته های انجنیری ، طب، حقوق پیداگوژی و تخصص عالی کارگری را فرا گیرند ، در زمان جنگ بیش از دههزار جوان را صرف به اتحاد شوروی برای کسب دانش اعزام نموده ایم . آنها رشته هایی راکه برای کشور ما نهایت ضرور اند ، فرا می گیرند مابرای آموزش محصلین در پوهنتونها و انستیتوت های کشور و پرداخت مدد معاشات وجوه هنگفت را به مصرف می رسانیم ما در باره آینده کشور خود فکر میکنیم و

میکنیم اما از جاده های کابل و دیگر شهرها بگذرید ، در موسسات سر بزنید) چه تعداد افراد جوان که از حساب دولت صاحب حرفه و مسلک گردیده اند به اثر رفاقت بازی ، مناسبات قومی و به کمک رشوت نه در رشته هایی که تحصیل نموده اند مصروف کاراند بلکه در جا های گرم سازمانهای مختلف وزارت خانه ها و ادارات در دکان ها ، مغازه ها و یابه زنده گی تماد خویش ادامه میدهند. و چه تعداد عیادت کننده گان در موسسات طبی سرگردان می گردند ، به خاطر اینکه خود را مریض نشان دادهو از خدمت در اردو تعلل ورزند و من درینجادر باره پدیده منفی و شرم آور خلاف عنعنات مردم ما مانند فرار چیزی نمی گویم.

باید تذکر داد که در نامه های اتباع کشور که عنوانی کمیسیون تسوید قانون اساسی ارسال گردیده . شوا هدی به ارتباط سوء استفاده از مقام، نقض مکلفیت های وظیفوی ، بیروکراتیزم فرمالیزم و کاغذ پرانی در کار ارگانهای دولتی در مرکز و محلات تذکر داده شده است.

قانون اساسی جدید و فرامین حقوقی که جهتر شد مقرره های آن تدوین خواهد گردید اساس قانونی اقداماتی را که از چنین پدیده های منفی درز نده گی جامعه جلو گیری نماید ، تشکیل خواهد داد . ما همه با شما اعضای یک خانواده بزرگ هستیم و افغانستان خانه مشترک همه ماست اگر تمام اعضای خانواده صادقانه کار نمایند و از مسوولیت روزانه خویش درک دقیق داشته باشند این خانواده خوب زنده گی کرده وصلح تأمین خواهد شد ، بیائید در یک خانواده متحدوصمیمی هر چه بیشتر فشرده شویم تا درآنجا جای برای فراریان، سارقین اموال دولتی ، تنبلان و بیکاره گان وجود نداشته باشد ، قانون اساسی جدید صلح و مصالحه وتوافق ملی ما درین جهت سمت داده شده است.

کشور ما باید در رشد خود گام به گام بازمان و تاریخ پیش برود برای این منظور وظیفه امحای عقبمانده گی اقتصادی ما ورهایی یافتن از تمام فقر و بدبختی اجتماعی که در نتیجه سطح نهایت نازل رشد اقتصادی درکشور ما به وجود آمده است ، در برابر ما قرار دارد.

راهی را که ما بعد از انقلاب طی کردیم همه مانرابه این امر معتقد ساخت که هدف تاریخی از لحاظ مقیاس ماهیت ووسایل تحقق خود سراسری و ملی میباشد دولت ما این هدف تاریخی رامستقیماً دربرابر خود قرار داده است این دولت نه باید بر مناقشات و مشاجرات اجتماعی اتکا داشته باشد . پدیده دیگری یعنی شرکت فعال تمام طبقات و اقشار اجتماعی دردگرگونیهای مترقی اجتماعی و اقتصادی میتوانند به دولت مانیرو و قوت ببخشند.

قانون اساسی از دولت می طلبد که تا به مهمترین عرصه زنده گی مردم یعنی عرصه اجتماعی و اقتصادی توجه خاص مبذول کند دولت فقط این عرصه راکه در آن نعمات مادی به وجود می آید و در آن انسان برای صحت و رشد معنوی خوداز تمام خدمات اجتماعی لازم استفاده میکند ، به مرکز

فعالیت خود تبدیل مینماید.

قانون اساسی جدیداتاکید میورزد که تمام انواع موجود حاکمیت در کشور ما اساس اقتصاد راتشکیل میدهدقانون اساسی آنها را حفظ و از آن دفاع میکند و یکی را بردیگری ترجیح نمیدهد قانون اساسی تمام انواع مالکیت را مساوی الحقوق شمرده ودر بین آنها کدام مالکیت تعیین کننده و اساسی رابرجسته نمیسازد ، به عباره دیگر قانون اساسی دولت راموظف میسازد تاازتمام اشکال ملکیت مواظبت به عمل آورد ، تمام انواع مالکیت برای قانون اساسی حیثیت فرزندان اصلی او را دارند و قانون اساسی نسبت به تمام آنها یکسان برخورد مینماید.

قانون اساسی لطمه زدن به حقوق مالکیت خصوصی بهر نحوکه باشد و به خصوص بیرون کشیدن آنرا از عرصه اقتصادی تجویز نمی کند بر عکس مناسبات بین دولت وسکتور خصوصی بر اساس اصل همکاری متقابلا مفید و تشویق ابتکار خصوصی استوار میباشد ، قانون اساسی مصوونیت کامل سرمایه گذاری های خصوصی را تضمین میکند ، قانون اساسی همچنان ایجاد مساعدترین شرایط رابرای سکتور خصوصی تضمین میکند تا این سکتور همیشه سهم خود را دررشد اجتماعی، اقتصادی توسعه بخشد ، قانون اساسی مالکیت شخصی رانیز تحت محافظت خود میگیرد زیرا که این شکل مالکیت وسیله اساسی ارضا تقاضا های توده های زحمتکش میباشد.

دولت با رشد دادن تمام انواع مالکیت مسلماً بالای مالکیت دولتی و سکتور دولتی اتکا میکند فعالیت سکتور دولتی به هیچ وجه متوجه آن نیست تا بازار را برای موسسات دولتی تسخیر نموده و سایر سکتورها را در تنگنا قرار دهد ، هدف اساسی آن عبارت از ارضاء تقاضا های اجتماعی و تامین ارتباط نزدیک با خواستهای اجتماعی مردم میباشد.

دولت روی این منظور برنامه وسیع فعالیت اجتماعی را در قانون اساسی تسجیل مینماید ، برنامه اجتماعی ما طوری است که نه منافع یک طبقه جداگانه بلکه منافع اتحاد و سیع نیرو های اجتماعی و منافع تمام مردم رامنعکس میسازد.

هموطنان محترم اعضای لویه جرگه!

طرح قانون اساسی که به وسیله ما بررسی میشودنه تنها اهمیت سیاسی داخلی ، بلکه بین المللی نیز دارد.

تصویب قانون اساسی جدید کشور که اصول صلح و توافق را بمثابه نورمهای زنده گی جامعه ما مسجل میسازد . حادثه ای است که از مرزهای کشور ما فراتر میرود در عصر ما خلقهای تمام کشورها و قاره ها هر چه بیشتر باهم نزدیک میشوند و سرنوشت تاریخی آنها با یکدیگر و با حل پرابلمهای جهانی ارتباط ووابسته گی متقابل پیدا میکند واین پرابلمها تنها از راه تشریک مساعی همگانی حل میگردد.

ما طرفدار آنانی هستیم که درین شرایط بنابر اراده خردعمل مینمایند ونه به خواست احساسات خودخواهانه وغرور آمیز . عنعنات تاریخی ما به ما کمک میکند تا همیشه به خردجمعی که در وجود جرگه

ها و تلاش برای جلو گیری از برخورد ها و خون ریزی بی مفهوم تبارز می کندا تکا نمائیم قانون اساسی جدید مانند شیوه تصویب آن در لویه جرگه ما که بهترین وبا اتوریته ترین افراد جامعه ما در آن اشتراک دارند نه تنها شاهد وفاداری به عنعنات ما میباشد ، بلکه گواه احساس مسوولیت بین المللی ما در برابر جوامع بشری است.

اندیشه صلح ، توافق و همکاری ملی که در قانون اساسی جدید گنجانیده شده است جزء تلاش همگانی بشریت به سوی زنده گی بهتر و عنصر مهم طرز تفکر سیاسی نوین میباشد . ما افتخار میکنیم که برای اولین بار این اندیشه را در قانون اساسی کشور تسجیل می نمائیم ، آن ساعت نیک است که مردمان کوچک و بزرگ در جرگه بزرگ صلح گردهم آمده و به زبان خرد تعقل در باره راه های حفظ و رشد هر آنچه که به وسیله نیاکان آنها به وجود آمده است ، بین خود به توافق برسند.

اهمیت بین المللی قانون اساسی مصالحه درین نهفته است که این قانون اساسی از لحاظ محتوی و عنعنات ملی بوده ارزش های همگانی بشری و تجارب سایرکشور ها و مردمان را درخودانتخاب و جاداده است.

ما علاوه بر اصول استقلال و وحدت ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت دولتی در تمام قلمرو کشور بر نسیپ هایی راماننده عدم انسلاک، منع ایجاد پایگاه های نظامی در قلمرو کشور خویش به مثابة اصول عمده در مواد قانون اساسی گنجانیدیم ، افغانستان عضو وفادار جنبش عدم انسلاک است و خواهد بود بدین ترتیب ما بالای اهمیت فوق العاده فکتور خارجی در رشد جامعه و کشور ما که تاچندی قبل از جهان خارج در حالت تجرید قرار داشت ، بر سیاست جهانی تاکیدنمودیم. گمان نمی رود که امروز این حقیقت آشکار نزد کسی شک و تردید را ایجاد نماید که هر قدر که روابط خارجی اقتصادی کلتوری و سایر تماس های صلحجو یانه میان کشور های مختلف مبتنی بر اصول متقابلا مفید و تساوی حقوق وسیع وکثیر الجوانب باشد به همان اندازه دورنما های تفاهم ومناسبات متقابل اقتصادی و عاری از مناقشات میان مردمان بسط و گسترش مییابد ، تجارت که در اعماق تمدن بشری به میان آمده است همیشه به مثابه پایه مناسبات صلح آفرین بین مردمان عمل کرده است و امروز نیز مناسبات تجارتی باید با جرئت داخل سیستم استقرار مناسبات متقابل با دیگران و قبل ازهمه با کشور های همسایه گردد ، مواد قانون اساسی که اساسات فعالیت خارجی اقتصادی دولت را مسجل می کنند نمایانگر درک درست ازگرایش های اساسی رشد جهانی میباشند.

برای استقرار و رشد مناسبات متقابلا مفید اقتصادی با سایر کشور ها و خلق ها شرایط مقدماتی را مطرح نمیکنیم ما برای رشد مناسبات عادی اقتصادی توسعه همکاری بین المللی قبل از همه با نزدیکترین همسایگان ما در شمال غرب و شرق اظهار آماده گی و علاقمندی مینمائیم، ما سعی میورزیم تا نه تنها زون صلح را بلکه زون همکاری تجارتی رادرتمام طول سرحدات کشور خود ایجاد نمائیم، این مساله بدون شک بالای تمام اوضاع در منطقه تاثیر مثبت خواهد داشت.

ما یکبار دیگر تلاش پر شور و صادقانه خود را به سوی برقراری مناسبات نیک با همسایگان نزدیک ما پاکستان و ایران تصدیق نموده واز آنها دعوت به عمل می آوریم تا بتاسی از ریالیزم سیاسی و اراده نیک بامساعی مشترک صلح و امنیت را در منطقه ناآرام ما احیاء کنند تمام محتوی قانون اساسی ما، ما را به این امر فرا میخواند، وجدان ووجیبه اسلامی ما در برابر مردمان ما را به این امر فرا میخواند ما میخواهیم تا تمام مسلمانان صنادق صداو دعوت ما را بشنوند. سرنوشت تاریخی وطن ما افغانستان با همسایه بزرگ شمالی یعنی اتحاد شوروی ارتباط ناگسستنی دارد این مساله را مادر روز های ۷۰ مین سالگرد انقلاب اکتوبر با نیروی خاصی احساس نمودیم زیرا ۶۸ سال تاریخ افسانوی ما عبارت ازسالهای دوستی همکاری و برادری است.

تنها کشور شوراها نخستین کشوری بود که دست دوستی و کمک بی غرضانه را در سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹) زمانیکه مردم ما درفش مبارزه رابه خاطر استقلال خویش بر افراشتند به سوی ما درازنمود . تنها کشور شوراها به ما کمک غیر قابل توصیف و همه جانبه را در اعمار پروژه های زیاد اقتصاد ملی در امر تربیه کادر های ملی و تحکیم قابلیت دفاعی انجام داده است.

تنها کشورشوراها زمانیکه استقلال وآزادی وطن دوست داشتنی مادر معرض خطرقرار گرفت، بر اساس تقاضای ما با کمک ما شتافت.

مردم ما نسل های کنونی وآینده ما مدیون سربازان انترناسیونالست شوروی اند که سینه های خویشرا سپر خانه وزنده گی ما ساختند خواهند بود، امروز ما وجیبه مقدس انترناسیونالیستی خویش را درین امر میبینیم که با کارهای مشخص خویش در جهت تحکیم سیاست مصالحه ملی شرایط لازم را برای عودت هرچه سریعتر قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به وطن صلحدوست شان فراهم سازیم درین استقامت ما در مذاکرات افغانستان- پاکستان درژنیو درجهت دستیابی بختم موفقانه این مذاکرات پیگیرانه کارخواهیم نمود.

طرح قانون اساسی ایکه جهت بررسی نماینده گان لویه جرگه ارائه میگردد در تفاوت با اصول اساسی ۱۳۵۹ هجری شمسی ۱۹۸۰ عیسوی تنها نظریات ح.د.خ.ا. را منعکس نمی سازد، مولف هرماده آن مردم زحمتکش و خردمند ماست این نه قانون اساسی برای مردم بلکه قانون اساسی خودمردم است . قانون اساسی نتیجه مهم مصالحه ملی است.

کمیسیون تسوید قانون اساسی از نماینده گان شایسته تمام اقشارمردم مرکب بود: محترم غلام سرور منظور رئیس شورای عالی علما و روحانیون ، قاری محمد نبی ملاامام مسجد پل خشتی، محترم محمد جان نماینده روحانیون از ولایت فراه، محترم مولوی بلال از ولایت بادغیس ، محمد بشیر بغلانی وزیر عدلیه کشور و رهبر حزب چپ دموکراتیک سازا، محترم محمد عوض بادغیسی تاجر ملی، محترم عبدالسلام دهزاد رئیس اتحادیه نویسنده گان ولایت هرات، محترم گل خان سلیمانخیل و محترم حاجی لعل محمد کوچی سران قبیله، محترم محمد هاشم مشوانی سناتور اسبق از ولایت کنر، محترم سلطان علی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس شورای وزیران ج.ا.د.ا. محترم پهلوان رحیم دهقان قوماندان گروپ مدافعین انقلاب در ولسوالی حضرت امام ولایت کندز، محترم گل محمد پشه وری رئیس اتحادیه صنفی خبازان شهر کابل ودیگران هر عضو کمیسیون قانون اساسی به خاطر کار وسرسپرده گی مستحق کلمات نیک ما وسپاس های ماست ولی شخصی وجود دارد که ماباید ازوی به طور خاص سپاس گزاری نمائیم محترم عبدالرحیم هاتف است که کار مشکل ودشوار یعنی رهبری کمیته کار کمیسیون تسوید قانون اساسی رابه عهده داشتند.

اینجانب میخواهم ازشما بپرسم آیا چنین ترکیب کمیسیون قانون اساسی که طی یکونیم سال طرح قانون اساسی را تدوین نمود مظهر دموکراسی ما نیست ؟آیا حاکمیت انقلابی منافع شخصی وگروهی ویا قشری رادراینجا زیر پا کرده است ؟ نه خیر ویکبار دیگر نه خیر ، مخالفین آشتی ناپذیر انقلاب ثور و تمام صداهایی فرو خفته شده رادیو یی در تمام گوشه و کنار جهان در باره عدم رعایت حقوق بشر در افغانستان فریاد میزنند ولی ما به راهیکه نیاکان ما وصیت کرده اند باشایستگی به پیش میرویم هرگونه جدایی را رد میکنیم و همه بسیج ومتحد میشویم ، صلح و تساوی حقوق انسان را می خواهیم به مخالفین یاوه سرا یاد آوری نمایم که در ترکیب کمیسیون بزرگ ایکه قانون اساسی سال ۱۳۵۰ را تدوین مینمود پنج عضو حکومت و جنرال بر خیلا کار مندان وزارت عدلیه کار مندان پوهنتون کابل وعضوی ازنماینده گان روشنفکران شامل بودند و لی یکنفر هم نماینده گی از ملا، کارگر ، دهقان ، پیشه ور ، رئیس قبیله و سایر نماینده گان مردم وجود نداشت لازم بود آن زمان در باره حقوق بشر صحبت میشد اجازه دهید به نماینده گی از شما نماینده گان محترم سپاس صمیمانه خویش را به تمام اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی به خاطر کار فداکارانه آنها در جهت رفاه مردم ما ابراز نموده صحت وسعادت آنها راآرزو نمایم.

نماینده گان محترم لویه جرگه!

دوستان عزیز !

مابه تصویب قانون اساسی دولت

– به تمام جهان اعلام میداریم که قانون اساسی ما عبارت از اقدام جدید در جهت تامین دموکراسی همه گانی در کشور ما ، در جهت دفاع ازحقوق زحمتکشان و تمام اتباع در جهت حل معضلات رشد اجتماعی به نفع تمام مردم است.

– ما به جهانیان اعلام میداریم که منافع و خواست ها و مردم درقانون اساسی ما انعکاس و قعیت یافته حق کار، حق استراحت، حق کسب تحصیل و خدمات طبی مجانی همه مردم فراهم میگردد.

– ما اعلام میداریم که قانون اساسی ما به داعیه صلح و امنیت خلقها رشد همه جانبه همکاری بین المللی مبارزه علیه استعمار، استعمار نو، امپریالیزم ،صهیونیزم ، راسیزم، اپارتاید و فاشیزم خدمت می کند.

– ما اعلام میداریم که خصلت صلحجویانه سیاست خارجی افغانستان تغییر ناپذیر است تمام اهداف و اندیشه های مردم افغانستان با کار صلح آمیز و فعالیت سازنده به خاطر رفاه انسان پیوند خورده است.

– ما اعلام میداریم که قانون اساسی ما قانون اساسی صلح و مصالحه ملی است

لویه جرگه تاریخی مردم افغانستان گشایش یافت

(بقیه صفحه اول)

موهند قو ماندا ن ملیشه ولسوالی گوشته‌ولایت ننگرهار، جانگل کار گر قهر مان کا ر جمهور ی افغانستان ، اکاد میسین صمد سلیم،حمید الله گران از سازما ن زحمتکشا ن افغانستا ن ،شیخ آیت الـله صادقی ،بریه جنرال مانو کی منگل رئیس امور سیا سی وزارت امور داخله و کاندید اکادمیسین پو هاند احمد شاه جلال ابراز نظر نموده حمایت و پشتیبا نی قاطع شا نرا از گزارش رفیق نجیب‌الله در لویه جرگه اظهار کردند .

در بیانیه های خود یکبا ر دیگر در پیشگاه نماینده گا ن بااعتبار مرد م افغا نستان تعهد سپردند که در انجام وظایف ومسوو لیت‌های‌بزرگ وتاریخی ایکه شرایط مشی مصالحه ملی به عهده آنها گذاشته است ، تا آخر ین‌نیرو و توان سعی و تلاش به خرج خواهند داد .

آنان لویه جرگه صلح راکه به مبنا ی سنن مرد می بمثابه عالیترین مظهر ارادهٔ مردم افغانستان‌به خا طر استقرار صلح و آرامش و قطع جنگ وخونریزی در کشور دا یر گردیده است . رویدادباعظمت تاریخی خوانده واز تما م‌مردم صلحدوست افغانستا ن دعوت نمودند تادر پرتو قا نو ن اساسی جدید و حد ت ملی افغان ها راحفظ واحیا نمو ده در اعمار جامعه بلا کشیده افغانستان سهم فعال وطنپر- ستانهٔ شانرا اداء نمایند .

در پایان جلسه قبل ازظهر رفیق نجیب الله اطلاعیهٔ در مورد وضع مرد م خدران و اعما ل افراطیو‌ن در این منطقه معلو ما ت به جر گه ارائه نمودند که مورد حمایت قاطع تما م نماینده گا ن مردم در لو یه جرگه قرار گرفت .

در جلسه بعد از ظهر لویه جر گه طر ح قا نو ن اساسی جدید افغانستا نمورد بررسي قرار گرفت .

باختر

هموطنان ما تدویر لو یه‌جرگه تاریخی مردم افغا نستان‌را که در حیات سیا سی واجتماعی مرد م ما رویداد با اهمیت و سر نو شت ساز‌محسوب میگردد با سرود ها واتن های ملي جشن میگیرند.عکس : جوانان هنگام اجرا ی اتن ملی در صحن‌انستیتو ت‌پولی تخنیک کابل .

عکاسی شیرشاه ابوی

پیامهای تبریکیه

پیا م آتي از طر ف رفیق نجیب الله منشي‌عمومی کمیته مر کـزی ح.د.خ.ا، و رئیس شورا ی انقلابـی ج.د.ا به منا سبت روز همبسته گی بین المللی با مرد م فلسطین عنوا نی سر- منشی ملل متحد به نیویار ك مخابره گردیده است :

اجازه‌دهید به نماینده گی‌از مرد م وحکو مت ج.د.ا بهترین شاد باش هـا و احساسا ت عمیق خو یشرا به مناسبت ۲۹ نوا مبر بـه مثابه روز همبسته گی بین - المللی بامرد م قهر مـا ن فلسطین که از طر ف سازمان ملل متحد اعلام گردیده است ابراز داشته ، حمایـت و همبستگی کا مل مرد م افغا- نستانرا از مبارزا ت عادلانه مردم فلسطین در احقا ق‌حقوق حقه شان اظهار دارم .

مرد م صلحدو ست افغا- نستان مانند همیشه در دفا ع از داعیه بر حق مرد م قهرمان فلسطین قرار داشته و به طور استوار و قاطع در کنار مرد م آزادیخواه وبرادر فلسطـین قرار دارد.اعما ل و حشیا نه و غیر انسانی که از جانـب صهیو نیست های اسرائیلی باحمایت و جانبدار ی امپر - یالیز م جها نی در را س امپریا لیز م امریکا علیه خلق های عرب به خصو ص خلق عرب فلسطین ادامه داردنفرت وانز جار عمیق همه بشر یت مترقی منجمله مرد م‌قهرما ن افغانستا ن را برانگیخته‌وآنرا قاطعانه محکوم مینمایند .

حکومت ج.د.ا مسا عی سازما ن ملل متحد رادر تامین عدالت ودریا فت راه حل‌دایمی مسأله شرقمیا نه به اسا س خروج فور ی وبدو ن قید وشر ط قوا ی اشغالگراسرا- ئیلی ازسر زمینها ی عرب و استرداد حقو ق حقه مـرد م فلسطین به نما ینده واقعی و پیشاهنگ آن یعنی سازمان آزادیبخش فلسطین به شمول تاسیس یك دولت ملی مستقل فلسطین میستا ید .

ج.د.ا، در حالیکه یکبار دیگر حما یت همه جانبه خویشرا با برادران فلسطین ابراز میدارد مطمئن است که داعیه آنها پیروز میشود و به اهدا ف خویش نایل خوا هند آمـد .

به آرزو ی سـعاد ت و خوشبختی اعرا ب فلسطین .

❀

از جانب رفیق نجیـب الله منشی عمو می کمیته مر کز ی ح.د.خ.ا، و رئیس شور ا ی انـقـلا بی ج.د.ا ، و ر فـیق سلطا نعلـی کشتمند عضو بیرو ی سیاسی کمیته مر کـزی ح.د.خ.ا، و رئیس شورا ی وزیرا ن‌ج.د.ا، پیام تبر یکیه به منا سبت بیستمین سالگرد استر دا د استقلال جمهور ی دموکراتیك مردم یمن عنوا نی علی سا لم البیض منشی عمو می حز ب سوسیا لست یمن ، حیـدر ابوبکر العطا س صدر هیا ت رئیسه شورا ی عالی مـرد م جمهور ی دموکراتیك مرد م‌یمن وداکتر یاسین سید نعمـا ن رئیس شورا ی وزیـرا ن جمهوری دمو کرا تیك مردم یمن به آنکشور مخابره شده است،در پیا م ضمن اظهـار آرزو مندی برای‌رفاه، خوش- بختی و پیشر فت‌مزید‌آنکشور ابراز اطمینا ن گردیده کـه روابط دوکشور در پرتو مبا - رزات مشترك به خا طرایدیال های صلـح ، امنیت و تر قی اجتماعی بیش از پیش تقویت یافته وهمبسته گی بین احزاب دو لت ها و مردم هردوکشور استحکام بیشتر خواهد یافت.

❀

همچنان به همین منا سبت پیام تبر یکیه ازطر ف رفیق عبدالوکیل‌عضوبیروی سیاسی کمیته مر کزی ح.د.خ.ا ، و وزیر امور خار جه عنوا نـی داکتر عبدالعزیز الدا لی وزیر امور خار جه جمهور ي دمو - کراتیك مرد م یمن به عـد ن مخابره گردیده‌است .

طبق یك خبر دیگر هیئـت ج.د.ا، تحت ریاست‌عبدالحمید محتاط معاو ن رئیس شورا ی وزیرا ن ج.د.ا، جهت اشتراك در مراسم بیستمین سا لگرد استر داد استقلال جمهـور ی دموکراتیك مرد م یمن اخیـراً به آنکشور وارد گردیده‌است.

لویه جرگه مظهر اراده مردم

راضیه عضو شورای‌انقلابی ج.د.ا، و نماینده منتخب مردم و لسوالی کشک‌ولایت‌هرات :

من قو ما ندان کند ك... ۲ نفری و لسوا لی کشک‌میبا- شم و از چهار سال بدینسو از انقلاب و دستاورد های آن با جوانان و سایر زحمتکشان و لسوا لی دفاع مینما یم.آنچه مایه آزار مردم ما در سرا - سر کشور است جنگ است که بنا به توطئه و دسا یس ارتجاع و امپر یا لیزم علیه کشور ما سازما ند هی گردیده است من در آتش این جنگ یازده نفر از اعضای خانواده ام را از دست داده‌ام و مسلماً که ادامه این جنگ جز آب به آسیاب دشمن ریختن حا صل دیگر ندارد.

زما نیکه بنا به اراده مردم صلح در کشور اعلام گردیـد مردم با شور و علا قمندی از این مشی انسان دو ستا نـه حزب ودولت‌انقلابی‌ما‌پشتیبانی نمو د ند زیرا این مشی‌مطابق به خواست و اراده مردم مـا بخاطر قطع جنگ و تا مین‌صلح در کشور اعلام گردید بعـداز انفاذ آتش بس‌صد ها وهزارها هموطن آواره‌ما دو باره بوطن بر گشتند و یا سلاح به‌زمین گذاشته به ندای صلح‌خواهانه حا کمیت مردمی ما پاسخ‌دادند زیرا آنهادرك نمودند‌که‌هر گام وهر عمل حزب‌ودولت‌انقلابی ما بخاطر خیر وصلاح مردم‌رنجد- یده کشور ما میبا شد.

من در هرات دیدم که چگو نه مردم ازصلح‌پشتیبانی‌نمودند ، ودر مورد طرح قا نون اساسی با شور و علاقمندی ابراز نظر نمودند.

زما نیکه شهر یان‌ولایت هرات از تدویر لو یه جر گه آگا هی حا صل نمودندباعطش فرا وان نماینده گان شا نرا بخاطر اشتراك در لویه جر گه معرفی نمودند، دراین روزها نما ینده گان از سرا سرکشور گردهم آمده اند به رسم‌نیاکان شان جرگه کنند ودر طـرح قا نون اساسی وانتخاب‌رئیس جمهور تصمیم اتخاذ نما یند بناء ما خوب میدانیم که مردم اعتماد بس بزرگ را بـا لای نما ینده گان شان نموده‌اندو ما هم سعی خواهیم ورزید تـا اعتماد مردم را بجا ساز یم.

نعمت الله رئیس کمیسیون مصا لحه ملی قریه علی آباد و نماینده منتخب مردم و لایت کندز:

در این روزها مردم‌سراسر کشور ما بی صبرا نه منتظر فیصله ها و تصامیم لویه‌جرگه ایکه اکنون دایر است‌میباشد. زیرا آن ها تما م آرزو ها ی شان را در فیصله ها و تصامیم حا کمیت مردمی شان میدانند.

تجربه خود بخود بیا نگر آن است که هر گام و هراقدام حزب و حا کمیت مردمی مابه نفع توده های میلیونی کشورما میبا شد.

مردم دیدند که حزب ودولت انقلابی شان چگو نه بخا طر تا مین صلح وقطع جنگ،مشی آشتی ملی را اعلام داشت‌و امروز بنا به اراده آنها لویـه جر گه بمنظور تصو یب‌قانون اساسی وانتخاب رئیس‌جمهور دایر است.

لویه جرگه کنو نی مظهـر اراده مردم سرا سر کشـور میبا شد. مردم از گرد وگوشه کشور ما دور هم آمده اند تابه رسم پسندیده پدران شان‌بطور دسته جمعی در مواردمتذکره تصمیم بگیرندوآن را عملـی سازند .

ما یقین کامل داریم‌که‌فیصله ها وتصا میم لویه جرگه فعلی همانطور یکه مردم ما منتظراند تاثیر مثبت در امر تا میـن صلح در کشورخواهد داشت.

مصاحبه ها از حشمت

با دستان هنرآفرین

صنعت دستی قا لین با فی در کشور ما با گذشت زمان وانگشتان هنر آفرین قا لین بافان نه تنها ازلحاظ نوعیت و کیفیت تکمیل گردیده ومی گردد بلکه اشکال زیبا تر و مر غوب تر بخود میگیرد .

به همین لحاظ قالین افغا نی دارای شهرت بخصو ص جها نی است، چنا نچه تنها در شش ماه اول سا لجاری هفتاد فیصد بیشتر از پلان قالین افغا نی به مار کیت‌های کشور های خارجی صـادر گردیده است .

دولت از صنعت دستی‌قالین موا ظبت دایمی نموده وتدابیر لازم درین زمینه اتخاذ نموده است .

عکس: قالین با فان هنگـام فروش قالین دربازارشهر کابل

عکاسی : میرویس

پایان دومین اجلاس

دومین اجلاس کمیسیو ن شوروی - چین برای‌استفاده از منابع‌آ بی در یا هـا ی امور وا ر گون در منا طق سر حد ی پریروز در مسکو خاتمه یافت .

شر کت کننده‌گان ایـن اجلا س پیرا مو ن نها یـی سا ختن طرح یك پلان برای استفاده از منابع آبی هردو دریاتاسال ۱۹۹۲ تصمیـم اتخاذ نمودند .

پولاد زاد ی معاو ن او ل وزیر اصلا حات ار ضی و ذخایر آ بی اتحاد شورو ی که ریاست هیات آنکشور را درین جلسه به عهده داشت طی مصا حبه به خبر نگا ر تاس گفت:که منافع بخش- های مختلف اقتصاد دوکشور آبیاری کشتیرا نی و ما هی گیری در تدار ك پلان مذ کور مورد غور و بر رسی قرار می‌گیرد .

نماینده اتحاد شورو ی افزود : ما انکشا ف انجنیری انرژی آبی‌را جهت مبارزه با سیلا بها و تقو یت ذخیره آبی به مثا به وظا یف مهم میدانیم .

سقوط طیاره

یك طیاره بو ینگـ (۷۴۷) افر یقا ی‌جنو بی با یکصدو پنجاه‌و نه سرنشین صبح پریروز در بحر هنـد سقوط نمود.

باور از ینست که ایـن حادثه درا‌ثر آتش سوز ی در داخل طیاره اند کی قبل از فرود آمدن آن بـه موریشس رخداده است .

کشتی ها برای نجا ت کسانی که فکر میشود ازین حادثه جان به‌سلا مت بر ده باشند ، به محل حاد ثه‌ارسال شده است .

طبق گزار ش خط هوا یی افریقای جنو بی طیاره بـا یکصدو چهل نفر مسا فر، نزده نفر عمله از تایپی بـه مور یشس وجوهانسبور گ پرواز کرده بود .

پایان کنفرانس بین المللی

کنفرا نس بین المللـی پیرامو ن (جها ن فا قـد اسلحه ذروی وعلم تشدد) بعد از مباحثا ت سه روز ه در تا شکند مر کزجمهوری از بکستا ن اتحاد شورو ی دیروز پایان یافت .

در جلسه کا مل صبـح دیروز کنفرا نس بحث بـر مسایل مربوط به تحقق و اصول درج شده در اعلا میه دهلی ادامه یافت .

کنفرا نس که‌به خا طـر نخستین سا لگرد اعلا میه دهلی دایر شده بود ، درآن شخصیت های شنا خته‌شده از بسیار ی کشور هـای آسیایی و افریقا یی‌شر کت داشتند .

باختر

بیوستن به مشی مصالحهٔ ملی

یك گرو پ مسلح بیست وچار نفری به سر گرو پی خان ولس در مربو طا ت شهر شبر غان مر کزولایت جوز جان دیروز از جنگـ وبرادر کشی دست کشیده، به‌پروسه مشی مصا لحه ملی پیو ست.

باپیو ستن گرو پ متذکره امنیت قرای سالتق ،حقانیه، چوب باش الب جرو شیگی مر بوط شهر شبر غان‌تامین گردیده و ساکنا ن قر ای متذ کره در فضای آرا م و مطمین زنده گی صلح آمیز شانرا از سر گر فتند.

باختر

اعلامیه آژانس اطلاعاتی باختر

در اعلامیه مورخ ۲۰ عقرب ۱۳۶۶ آژانس اطلاعاتي باختر تذکر به عمل آمده بود کـه گو یاحادثه‌با سه نفر خارجی‌با ظواهر اروپا یی صورت‌گرفته تصور میرفت که آنها دریکی ازباند گروپهای آشتی ناپذیر ازخاك پاکستان وارد قلمـرو ج.د.ا، گردیده و تصـا دم مسلحانه رابا قوا ی حکو متی انجام میدادند . بدین ارتبـاط آژانس اطلاعاتی با ختـر صلاحیت دارد اعلام نماید که تما م تلاش های ار گا نهـای مسوول در جهت بر ملاساختن این موضوع وبه خصـو ص تثبیت هویت افراد متذ کره و سر نو شت بعد ی شا ن بی نتیجه ما ند .

لازم است تذکر داد که در مناطق مختلف افغـانستان بخصوص نواحی ... سرحد با پاکستان و ایران بار ها اتباع خارجی با ظواهر اروپـایی در ترکیب مفرزه های آشتـی - ناپذیر ضد انقلابی بمشاهده رسیده است .

قرار اطلاعات موثق ار گان های مسوول ج.د.ا، گروپ - های افراطی ضد انقلابی ا ز قرارگاه های خویش دستـور جدی اخذ نموده اند کهزخمی های خار جی و حتی جسدآنها رادر محل حادثه به جانگذاشته وتمام تدابیر را تا سر حـد از بین بردن فزیکی آنها د ر صورتیکه امکان اسیر شد ن شان توسط قوای حکو متـی موجود باشد ، اتخاذ نماید .

بدین ارتباط آژانس باختر صلاحیت دارد اعلام نماید که حکومت ج.د.ا، تمام امکانا ت قانونی لازم رابرای‌نماینده‌گان وسایل اطلاعات جمعی خارجی به خاطر بازدید ازافغا نستان مساعد مینماید . درعین زمان حکومت ج.د.ا، نمیتواند امنیت اتباع خارجی را که با نقض قوانین افغانستان ونورم های بین المللی بطور مخفی و غیر قانونی بالخصوص در تر کیب گروه های مسلح افرا طیو ن وارد افغانستان میشونـد ، تامین نماید .

عودت به وطن

پنجاه وهفت فامیل شا مل دو صدو هفتا دو شـش تن از همو طنا ن ما که قبلا ازولا یا ت هرات و کنر به ایرا ن وپاکستا ن رفتـه بودند اخیراً با استفـاده از اعلام مشي مصا لحه ملـی دو باره بهو طن عود ت‌نمو- دند.

با این همو طنا نمساعدت‌ها و کمکها ی لازم صور ت گر فته و به منا طق‌مسکو نی اصلی شا ن انتقال‌وزنده گی صلح آمیز شانرا از سـر گر فتند .

تحت نظر هیات تحریر
مدیر مسوول : م.ح بارق شفیعی

تیلفونها

مدیرمسوول : ۶۲۴۷۴ — معاون اول : ۶۱۴۵۸
سکرتر مسوول : ۶۲۶۱۴ — شعبه نامه ها : ۶۱۷۰۳
شعبه اطلاعات : ۶۱۱۱۸ — سوچبورد : ۶۱۸۷۸
شکایت وتوزیع : ۶۲۸۵۹
صندوق پستی : ۷۸۰ — حساب بانکی : ۱۰۱۸ ابر ۹
چاپ ویب آفسیت مطبعه دولتی
قیمت یك شماره ۲۰ افغانی